



آیت الله عمید زنجانی:

اولویت با نویسندگان جوان است



حجت الاسلام حسن طارمی:

هدف ما اطلاع رسانی و بهبود نشر دینی است



محمود دولت آبادی، نویسنده، کار من نوشتن است

ارزیابی دکتر شایگان از وضعیت مطالعه در ایران

استثنایی بر یک قاعده

♦ به گمان من آمار مطالعه در کشور ما، به نسبت کشورهای دیگر اتفاقاً بیشتر هم هست؛ محض نمونه قیاس کنید این آمار را با مثلاً فرانسه



کتاب، عشق و پایداری

روز کتاب و ادب پایداری

در جشن کتاب اسامال روز ۱۳ آبان، اختصاص دارد به ادبیات مقاومت و جنگ. روز کتاب و ادب پایداری، فرصتی است تا وضعیت کتاب‌های را بررسی کنیم که قرار است ۸ سال حماسه و خون را در دل صفحات کاغذ به یادگار نگه دارند تا نسل‌های آینده میراثی منکوب از شجاعت و پایداری داشته باشند.

در گزارش ما، نظرات طیف وسیعی از مردم، همچون استادان دانشگاه، نمایندگان مجلس، مسئولان چشمواره کتاب‌های دفاع مقدس، کارشناسان، صاحبزنان، ناشران و روزنامه‌نگاران آمده است.



این ۵ کار را فراموش نکنید!

مجید قیصری، نویسنده

ادبیات جنگ در تقابل با زندگی نیست

یادداشت

در باره نهضت خاطره‌نویسی

هدایت‌الله بیهودی



گفت و گو با علی رضا کتبری

آنچه باید انجام می‌شد...

مرتضی سرهنگی: ادبیات جنگ، ادبیاتی است که زندگی در آن جریان دارد، اما آتش جنگ در مقابلش زبانه می‌کشد

♦ اصغر کاظمی: مشکل اصلی ادبیات پایداری دولتی بودن آن نیست بلکه عدم شناسایی و نادیده گرفتن است

کتاب ایرانی به سوی ویتترین جهانی



مراکز تازه‌های کتاب



به کتاب خواندن حرمت بگذاریم

♦ منیره روانی پور: اگر ملتی از فرهنگ دور شود به بزهکاری روی می‌آورد

♦ باید برای ایجاد فرهنگ کتابخوانی از بچگی شروع کنیم

گزارش نشست کتاب‌های کودک و نوجوان و حمایت‌های دولتی

و بیشتری داشته باشند ناموفق هستند.

۲.عدم دسترسی ناشران به موضوعات و متون تألیف با ترجمه شده در سطح وسیع و لذا داشتن امکان‌های کم برای انتخاب و چاپ آثار گزیده به جهت عدم ارتباط و آشنایی آنها با نویسندگان و مترجمان مختلف.
۳.رشد و توسعه کم و محدود در خلق و چاپ آثار خوب و برگزیده به جهت ننگ بودن دایره اطلاعات نویسنده و ناشر بازارهای نشر داخلی و بین‌المللی.
مدیران‌های میرزا ادامه دادن نوع دیگر ارتباط بین نویسنده و ناشر می تواند با وسعت باشد. در اکثر کشورهای که حوزه نشر فعال و موفقی دارند آژانس‌های ادبی نقش کلیدی و موثری ایفا کرده و می کنند و کمتر ناشری در این گونه کشورها به صورت مستقیم اثری را از خود نویسنده می‌پذیرند.

وی درباره ویژگی‌های یک آژانس ادبی موفق گفت: این ویژگی‌ها عبارتند از:
الف)آشنایی با مسائل و موضوعات مطرح در حوزه نشر داخلی و بین‌المللی
ب) آشنایی با موع و مشکلات ورود به بازار نشر داخلی و بین‌المللی و دستیابی به رهاکارهای بهینه
ج)ساخته و تسلط به موضوعات مورد علاقه مخاطبان
د) داشتن بانک اطلاعات قوی از نویسندگان و مترجمان داخلی و راسس موضوع تخصصی آنها و همچنین آشنایی به رونق کار آنها و داشتن روابط حسنه با آنها

داشتن اطلاعات کافی از ناشران داخلی و بین‌المللی و همچنین آشنایی‌های امنی مانند حوزه فعالیت آنها و اطلاع از موضوعات موردعلاقه و نیازها و برنامه‌های آینده آنها را توانایی شناسایی آثار خوب و مناسب با موضوعات به روز و مطرح در داخل و خارج از کشور
داشتن ارتباط قوی و خوب با ناشران داخلی و بین‌المللی
آژانس‌های آژانس‌های ادبی که علاوه‌مدنم به آثار خوب ایرانی هستند

هاگهای آفراین حقوقی داخلی و بین‌المللی
مربوط به حقوق موثقات و مترجمان و مترجمان و آشنایی کامل از شرایط و معاف قراردادهای رایج در حوزه نشر و مشخص مذاکره و معاف قرارداد
و عضویت در یکی از اتحادیه‌ها یا انجمن‌های بنگاه‌های ادبی دنیا
ی یافتن مشتری مناسب در بازارهای داخلی و خارجی برای آثار منتقل شده، و یگیری و الحاق حقوق ناشر داخلی و خارجی با اطلاعات قراردادهای مناسب نویسنده و ناشر داخلی و خارجی
کام داشتن توانفناهم‌های هنکاری‌های دوچانه به آژانس‌های ادبی دنیا به عنوان عامل‌های آژانس‌های کشورهای مختلف
گذاشتن ایرراهی کار لازم برای معرفی و عرضه آثار از جمله سایت تبلیغی کانال‌گه،بروشور...
ع داشتن بانک اطلاعات قوی از ناشران داخلی و خارجی و آژانس‌های ادبی بین‌المللی
براساس موضوع موردعلاقه آنها.

این کارشناس حوزه کتاب در عرضه بین‌الملل همچنین درباره نقش آژانس‌های ادبی در حوزه نشر داخلی و بین‌المللی تأکید کرد: آژانس‌های ادبی به عنوان حلقه واسطه در تجربه خلق و تولید اثر می‌تواند نقشی مؤثر در رشد و توسعه نشر در داخل کشور و در عرضه‌های بین‌المللی ایفا کند که در این‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. شناسان دادن و نظاره‌بردن کردن رابطه نویسنده یا صاحب آثار ناشران در داخل و خارج از کشور.
۲. کتاب به ایجاد فضای آرام برای نویسنده در خلق آثاری هنری و ارشدند یا به عهده گرفتن معرفی و عرضه آثار او در داخل و خارج به منظور بازاریابی و پی گیری کارهای حقوقی مربوط به نگاداری و حق‌التألیف اثر
۳.ارزاقی اطلاعات ناشران و نویسندگان داخلی از حوزه نشر داخلی و بین‌المللی
بامهرگیری از بانک اطلاعات آژانس‌های ادبی
۴.معرفی و عرضه آثار شناسنامه آثار نویسگان و ناشران داخلی
۵.فرزآوری روابط بین نویسندگان و ناشران ایرانی با ناشران و آژانس‌های ادبی بین‌المللی
۶.معرفی و عرضه آثار برتر و به روز دنیا در داخل کشور از طریق توانفناهم‌های هنکاری با آژانس‌های ادبی بین‌المللی

۷. جلب توجه نویسندگان و صاحبان‌الدیده در سراسر دنیا به موضوعات فرهنگی و ادبی کشورمان

۸.اجرای فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با توسعه نشر بین الملل در داخل و خارج از کشور
بامشارکت نهادهای فرهنگی داخلی و بین‌المللی

۹. ایجاد زمینه‌های کاری برای نویسندگان و ناشران داخلی
باتوجه به نیاز بازار کتاب در داخل و خارج از کشور.
۱۰. کمک به توسعه صادرات فرهنگی کشور
جغرفی اقدام پیرامون موع و مشکلات موجود بر سر آژانس‌های ادبی پذیرد نوعی هستند که در حوزه نشر کشور ایجاد شده و فعالیت می‌کنند با موع و مشکلات عدهای دیگر
معارضت آژانس‌های ادبی و حمایت و ستاایی مسوولان فرهنگی کشور است. این مشکلات عبارتند از:

۱. عدم شناخت کافی اکثر نویسندگان و ناشران داخلی از ایجاد و نحوه کار و اهمیت وجود آژانس‌های ادبی در کشور

۲)نبیت شدن جایگاه حقوقی آژانس‌های ادبی در کشور که این امر باعث عدم اطمینان ناشران و نویسندگان داخلی می‌شود

۳)تغییل ضعیف و احتیاط ناشران و آژانس‌های ادبی بین‌المللی از ملاقات و مذاکره با آژانس‌های ادبی ایران به جهت عدم عضویت ایران در کنسوسون کنی رایت
۴)عدم شناخت کافی از بازارهای کتاب کشورهای آسیایی و کشورهای‌هایی که با ما فرایت‌های فرهنگی بیشتری دارند به جهت حضور ضعیف ما در نمایشگاه‌های کتاب و عرضه‌های فرهنگی آنها



مشکلات ایجاد ارتباط با ناشران و آژانس‌های ادبی
مشکلات فرهنگی و اروپایی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی

۶) نداشتن پتر حقوقی مطمئن برای آثاری که کنی‌رایت آنها واگذار می‌گردد.

لواستاتی: قانون نشر بین الملل را نمی شناسیم

در ادامه این همایش، لوستاتی مدیر بنگاه ادبی نویسا که درباره بنگاه‌های ادبی به عنوان تجربه‌ای نو در جهانی شدن صنعت نشر سخن می‌گفت با تأکید بر این نقلی محوری گفت: حوزه نشر و تجربه‌های جدید بنگاه‌های ادبی نقشی حساس دارند و بیشتر از تجربه‌ای تجاری برخوردارند تا یک جنبه فرهنگی و ادبی در کنار آنها برای بین‌المللی کردن نشر ایران نیز به زیرساختی سازمان یافته احتیاج داریم تا به بازاری فراتر از بازارهای داخلی دست یابیم.

وی اولین مشکل موجود در فعالیت بنگاه‌های ادبی را عدم وجود قراردادهای و اشراف به قراردادهای دانست و گفت: هر کتابی به تناسب محتوایی که عرضه می‌کند و ساختار فیزیکی خاص خود قطعاً افرادی مناسب با ویژگی‌هایش را می‌طلد و ما در این زمینه مشکلاتی جدی داریم و نمی‌توانیم به یک قرارداد کلی استناد کنیم این تقصیه‌جندی نیز ناشی از عدم شناخت جنبه‌های مختلف قانون نشر بین‌الملل است.

فریده خلعتبری: دولت چهار حمایت بنیادین را باید محور قرار دهد

فریده خلعتبری مدیر انتشارات شیرازی و عضو کمیسیون اقتصادی اتحادیه ناشران نیز دولت در جهانی کتاب را ابررسی کرد و گفت: سیاست‌های

حمایتی و هدایتی دولت اگر به درستی تدوین و اجرا شود می‌تواند موع را در هم شگند و فرای اعتلای را پیش روی نشر کتاب ایران قرار دهد و باید در این امر وضعت و صرف مورد سه عنصر پذیرد: آفریننده کتاب نویسنده، ناشر و مصرف‌کننده، که را مدنظر قرار داد و از آنجا که پذیرد آفریننده یک اثر پس از انتشار کتاب، همگی در همان عنوان مشترک شده تجلی می‌یابند و از آن پس سرشت کتاب چاپ شده است که به عناصر به وجود آورنده‌اش امکان‌دوام حیات فرهنگی می‌بخشد از همین رو بخشی از حمایت‌های دولت می‌تواند در چهار بخش حمایت از پذیرد آفرینندگان، نویسندگان، صورتگران و ناشران متمرکز شود.

وی درباره نقش دولت در توسعه کتاب گفت: حضور فعال بخش دولتی در عرضه توکنگ، که در گذشته بسیار سیاست‌های عنوان شده دولت دارای خصوصی‌سازی است، لطیف‌های جریان‌شدنی برنده نتیجه‌نشر کشور وارد می‌آورد که عبارتند از:

۱. بخش دولتی با پرداخت دستمزد کلان، پذیرد آفرندگان را به تولید آثار قالب‌بندی شده وادار می‌کند و بزرگ‌ترین قطعه را بر خلاقیت و آفرینش پذیرد آفرندگان ایرانی وارد می‌آورد.

۲.بخش دولتی، بخش خصوصی مستقل شده را به نقیاد می‌کنند و به اتکات خریدهای نامحدود و برگزاری مسابقه‌های صورتی و دادن جایزه‌های کلان از محل بودجه‌های دولتی به آثار منتخب خود همراه شدن با سیاستهای راز پول ملت، می‌تاز می‌کند و مستقل ماندها را با ناشرهای مرئی و عمرتی به سوس تولیدی سوز می‌دهد.
۳.بخش دولتی بامهرگیری از منابع دولتی می‌گذرد تا حضور خود را در خارج از کشور نیز تثبیت کند و آنچه در اختیار دارد را به عنوان کار ابرینی در معرض تقاضات جهانیان بگذارد.

۴. خریداران داخلی کتاب نیز از خرید کتاب و حتی خواندن کتاب‌های اهلهای وارداتی روی گریان شده‌اند، زیرا که می‌محتوایی تکراری بودن مطالب، ظاهر نازیبا، نداشتن ویژگی‌های هنری و کبیلی، پذیرد آفرندگان معیشتگی و دیگر مشخصه‌های آثار ناشران دولتی، خریداران را به راهی سواد شده است که حتی آثار برتری را نیز مشتانه از تولیدکنندگان دولتی پنهان‌دند.

۵. تبلیغات گسترده و همه‌جانبه ناشران دولتی که تمامی رسانه‌های همگانی کشور را از صدا و سیما گرفته تا روزنامه‌ها و نشرها، آثارهای چاپی و دیجیتال و حتی مطبوعات و اینترنت را به انحصار در آورده‌اند، امکان رقابت برای بخش خصوصی که قادر به پرچختن هزینه‌های کثیف تبلیغات نیست، نمی‌گذارد.
۶. مکملهای مناسب عرضه کتاب نیز به صورت گسترده و روزافزون و به تصرف ناشران دولتی در می‌آیند تا تنها آثار آنها و همیه‌شان اشکار و پنهانشان را عرضه کنند.
۸)جرای سیاست خصوصی‌سازی بخش فرهنگ در راستای سیاست خصوصی‌سازی در کشور و خارج کرد تولید و توزیع کتاب از کف ناشران دولتی.

رضا هاشمی تژاد:

هنوز با مفهوم حمایت فاصله داریم

رضا هاشمی تژاد مدیر بخش کتاب‌های خارجی شهر کتاب و کارشناس کتاب که در این همایش پیرامون احساسات‌های دولت سخن می‌گفت، اشاره به معنای لغوی حمایت که به معنای حفاظت و نگهداری است گفت، ما هنوز کاری کرده‌ایم و دست‌نزدی داریم که برخورداریم آن معافیت و نگهداری کنیم باین طریق در اندام‌بند مسی کنیم چیزی را به وجود بیاوریم تا حمایت را می‌ماند کند حمایت فعلی حرکتی انفجاری و عظیمی را می‌طلد که از راه‌اندازی و پشتیبانی را شامل می‌شود و از آنجا که از فاصله تجارت در عرضه بین‌المللی عقب مانده‌ایم و از فراینز داد و ستد بین‌المللی در بخش فرهنگ ناآگاهیم لازم است تا دولت که بخش عظیم و اصلی درآمد کشور را از راه فروش نفت به دست می‌آورد میزان بیشتری از اعتبار موجود را با تخصیص و توزیع عادلانه و مساری بارقه‌ها به بخش فرهنگ اختصاص دهد و زمینه‌های برداشتن موع موجود فراهم سازد.

وی همچنین توصیه اصلی حمایت‌ها را ارتقای برنامه‌های آموزشی بودن دانست و پیرامون اطلاع‌رسانی در حوزه نشر بین‌الملل گفت: انتشار یک ماهنامه در عرضه نشر بین‌المللی به منظور اطلاع‌رسانی در این زمینه ضروری است و سعی کردیم تا آموزش فعالان این صنف داشته باشد.



حسین رضاه شاه آبادی:

دچار توهم حضور در بازار بین‌المللی شده‌ایم

حسین رضاشاه آبادی مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز که درباره حمایت‌های دولت سخن می‌گفت بر واقع نگری در پتانسیل‌های موجود عرضه نشر داخلی تأکید کرد و گفت: عده‌ای دچار توهم هستند و فکر می‌کنند ما پتانسیل بسیار قدرتمندی برای حضور در بازار جهانی داریم که اگر موع به جرات دست برداشته شود این زیر فوران داریم که همه جرات‌دست برد خود در می‌آورد در حالی‌که این ظرفیت است چرا که ما هنوز کشور دیگری می‌کنیم که مغزهای پیش‌محدودی دارد و از طریق بررسی از گونه‌های معدن‌اندیشی پایه و اساس آنها آثار خارجی هستند در کشور ما از عصر کوبله‌ای برخوردارند و ما قطعاً در این زمینه توانایی رقابت با آنها را نداریم.

وی افزود: باید این توهم را کنار نگاریم و پدیدیم که تمام دنیا دارای فرهنگ ناب‌اند هستند و برای پز چنین حضوری بیش از هر چیز باید به ارتقای سطح تولیدات داخلی پندیشیم.

حسین پورآقاسی:

راهکارهای ورود به بازار جهانی کتاب

حسین پورآقاسی مدیر انتشارات امید فرازانگان نیز درباره ضرورت حضور در بازارهای جهانی کتاب و راهکارهای اجرایی آن گفت: ما زمانی می‌توان به عنوان اصلی‌ترین ضرورت‌های حضور در بازار جهانی کتاب اقدام کرد که عبارتند از:

۱. برخورداری کشورمان از بنیادهای فرهنگی هنر و علوم
۲. حضور قابل توجه ایرانیان در مراکز تجاری اقتصادی فرهنگ خردشان
۳. وجود رازینی‌های فرهنگی در کشور لگنری‌های ایران در خارج از کشور و نیاز آنها به محصولات فرهنگی
۴. تدوین زبان فارسی در بعضی از دانشگاه‌های خارج از کشور برای خارجیان

۵. لزوم آشنایی نویسندگان و ناشران ایرانی با فرهنگ و تمدن دیگر کشورها و ویژگی‌های آن و بررسی آثار و موضوعاتی که می‌تواند مورد توجه آنها قرار گیرد

۶. گردیزی بازار کتاب در خارج از کشور و توجه مردم بعضی از کشورها به کتاب و کتابخوانی
۷. امکان طبع و نشر کتابهای مورد نیاز کیفیت مطلوب

و قیمت تمام شده مناسب در داخل کشور نسبت به انواع خارجی

۸. رگود تنسی بازار نشر و شمارگان محدود چاپ

کتاب‌های داخلی و مشکلات ناشران.
در پایان این همایش مذاق مسیعی مدیر انتشارات کتابسرا ضعف ترجمه را اسیان‌ترین مانع در حضور کتاب‌های ایرانی در خارج از مرزهای داخلی برشمرد و گفت: ما برای حل این تقصیه‌ها راهی جز تربیت گروه مترجمان حرفه‌ای نداریم.

همچنین حسن زنده‌دل مدیر انتشارات ال‌گرددان علوم تکرش اقتصادی در بخش فرهنگ را یکی از موع جدی در رشد مسانگی بر اسفان فریط فرهنگی دانست و نظام کنترل مراحل تولید و عرضه نشر گفت: یکی دیگر از مشکلات موجود در این زمینه برشمرد و گفت: این کنترل باید به روز گردد و مشارکت بخش خصوصی در آن لحاظ شود.



از ۶ تا ۸ آبان در دانشگاه بیرجند نخستین همایش ادبیات کودکان و نوجوانان برگزار شد

نخستین همایش ادبیات کودکان و نوجوانان در ۸ تا ۸ آبان در محل دانشگاه بیرجند برگزار شد. این همایش با تلاش دانشگاه بیرجند و مشارکت شورای کتاب کودک تهران، کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان، آموزش و پرورش، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی شهرداری بیرجند و بعضی نهادهای سازمان‌های دیگر برگزار شد. در این همایش از میان ۵۵۸ مقالهٔ رسیده ۳۳ مقالهٔ انتخاب و در همایش ایراد شد.

همزمان با این همایش نمایشگاه جامعی با موضوعات ایران در ادبیات کودکان و نوجوانان (توسط شورای کتاب کودک) نمایشگاه نولسندی کودکان کم‌توان ذهنی کار مراکز بهیشتی و مرکز دختران خورشیدی، کار مرمی کودک توسط مراکز پیش‌دانشگاهی بیرجند و بخش‌های مختلف دیگر برپا شد.

در قطعنامه پایانی این همایش موارد زیر مورد تأکید قرار گرفت:

- ضرورت ارائه درس‌هایی تحت عنوان ادبیات کودکان و نوجوانان در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری در دانشگاه‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی و روانشناسی و رشته کودکان استثنایی، همچنین دانشکده هنرهای دراماتیک (نمایش و سینما)، هنرهای زیبا (گرافیک، طراحی، نقاشی) و مدرسه عالی صدا، و سینما در بخش برنامه‌سازی برای کودکان و نوجوانان.

- ایجاد کارگاه‌هایی برای نویسندگان و تصویرگران محلی در دانشگاه‌های سراسر کشور جهت تولید کتاب‌های غیردرسی در زمینه‌های تاریخ، با همگامی شورای کتاب کودک. - توصیه به نشران دولتی بویژه کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان جهت برنامه‌ریزی برای تولید کتاب‌های نمونه و اشاعه الگوهای مناسب جهت تولید کتاب در حوزه‌هایی که سایر نشران کمتر به آنها می‌پردازند (غیر داستان‌ها).

- تقویت پژوهش در زمینه‌های ادبیات کودکان در دانشگاه‌ها به صورت پروژه‌های دانشجویی و همچنین در طرح‌های پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهیشتی کشور، سازمان میراث فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- توصیه به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق چندینند به یکی از مهمترین اهداف فعلی آن کتابخانه یعنی نابودگی بخش کودکان و نوجوانان و بازسازی ساختاری کتابخانه‌های عمومی و آموزشی‌گاهی. - ایجاد زمینه‌های لازم در مراکز آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی جهت راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری به منظور ایجاد تحولی بنیادی در زمینه‌های پژوهشی - خدماتی کتابداری کودک و نوجوان.

- تأکید بر لزوم راه‌اندازی و تجهیز کتابخانه‌های سیار روستایی برای کشف استعدادهای کودکان و نوجوانان روستایی و تقویت استفاده‌های کودکان و

- کاید بر ایجاد بخش ادبیات کودکان و نوجوانان در کتابخانه‌های دانشگاهی به منظور آشنایی دانشجویان با این حوزه مهم.

جمعیت جوان کشور و بالا رفتن سطح تحصیلات جامعه، نیاز به اطلاع رسانی به هنگام کتاب‌های منتشر شده در سراسر کشور را بیش از پیش مورد توجه قرار می‌دهد. از آنجا که گسترش کتابخوانی به دلیل تأثیر آن در توسعه همه جانبهٔ از سیاست‌های مهم معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شمار می‌رود، خانه کتاب به عنوان متولی رسمی اطلاع رسانی کتاب در کشور با محور قراردادن شعار اطلاع رسانی زیرساخت توسعه‌با طراحی و اجرای مراکز خانه کتاب در تمامی استان‌های کشور در سال ۱۳۷۸ سعی در فراهم آوردن زمینه‌های آشنایی مردم کشورمان با تازه‌های نشر را داشته است. خانه کتاب از تأسیس مراکز تازه‌های کتاب در کشور، چهار هدف عمده را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱. اطلاع رسانی به روز تازه‌های کتاب در کشور.
۲. ارائه خدمات اطلاع رسانی رایانه‌ای به عموم مردم.
۳. تمرکز زدایی در عرصه اطلاع رسانی کتاب و واگذاری بخشی از امور اجرایی به استان‌ها.
۴. معرفی و عرضه محصولات خانه کتاب شامل نشریه‌های کتاب هفته و کتاب ماه، کارنامه نشر، راهنمای ناشران و نرم‌افزار کتبیه.

طرح تأسیس مراکز تازه‌های کتاب در هفتصد دوره کتاب جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ با یکجوبی های مؤسسه خانه کتاب و فرمان عومی به اداره‌های کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها آغاز شد. همچنین اطلاع شرایط و استانداردهای مورد نیاز این امر نیز به استان‌ها ابلاغ شد که با استقبال روبه‌رو شد. در ۱۸ آبان ۲۰۰۷ کتاب اطلاع رسانی (اجرای این طرح به طور همزمان در ۱۲ استان افتتاح شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

افتتاح رسمی مراکز تازه‌های کتاب در شهرستان‌ها روز ۱۸ آبان ۱۳۷۸ و با حضور احمد مسجدجامعی، قائم مقام و معاون امور فرهنگی وقت وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی و جمعی از مسئولان محلی در مجتمع فرهنگی هنری جنوب شرق بزادجم گرفت.

مراکز تازه‌های کتاب شامل دو بخش نمایشگاه تازه‌های کتاب و اطلاع رسانی کتاب‌های منتشر شده در کشور است. یک نسخه از کتاب‌های چاپ نخست منتشر شده به طور مستمر برای نمایش عمومی به مراکز تازه‌های کتاب ارسال می‌شود و این کتاب‌ها به صورت موضوعی در این مراکز برای اطلاع بازدیدکنندگان از آخرین کتاب‌های منتشر شده در کشور به نمایش درمی‌آید. کتاب‌های چاپ اول و دوم نیز این مراکز نمایش سوزن‌افزاره‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی علوم ورزشی به نمایش عمومی با تصمیم اهالی خود، بخش دیگری مراکز تازه‌های کتاب، اطلاع رسانی رایانه‌ای کتاب‌های منتشر شده در کشور است. که این بخش در برخی استان‌ها از طریق لوح‌های فشرده کارنامه نشر راهنمای ناشران، کتبیه و اتصال به شبکه جهانی اینترنت راه‌اندازی شده است.

برخی مراکز تازه‌های کتاب به وسیله یک دستگاه رایانه، یک خط نقلی و مدیال (مردم) به شبکه اطلاع رسانی خانه کتاب ایران (کتاب رایانه) متصلند و از امکان و اطلاعات نشر آگاهی می‌شوند. شبکه کتاب رایانه شامل بانک اطلاعاتی کتاب‌های منتشر شده در داخل کشور است که در بانک ملی و همچنین به کتابخانه‌های عمومی با تصمیم اهالی خود، بخش دیگری مراکز تازه‌های کتاب، اطلاع رسانی رایانه‌ای کتاب‌های منتشر شده در کشور است. که این بخش در برخی استان‌ها از طریق لوح‌های فشرده کارنامه نشر راهنمای ناشران، کتبیه و اتصال به شبکه جهانی اینترنت راه‌اندازی شده است.

برخی مراکز تازه‌های کتاب به وسیله یک دستگاه رایانه، یک خط نقلی و مدیال (مردم) به شبکه اطلاع رسانی خانه کتاب ایران (کتاب رایانه) متصلند و از امکان و اطلاعات نشر آگاهی می‌شوند. شبکه کتاب رایانه شامل بانک اطلاعاتی کتاب‌های منتشر شده در داخل کشور است که در بانک ملی و همچنین به کتابخانه‌های عمومی با تصمیم اهالی خود، بخش دیگری مراکز تازه‌های کتاب، اطلاع رسانی رایانه‌ای کتاب‌های منتشر شده در کشور است. که این بخش در برخی استان‌ها از طریق لوح‌های فشرده کارنامه نشر راهنمای ناشران، کتبیه و اتصال به شبکه جهانی اینترنت راه‌اندازی شده است.

برخی مراکز تازه‌های کتاب به وسیله یک دستگاه رایانه، یک خط نقلی و مدیال (مردم) به شبکه اطلاع رسانی خانه کتاب ایران (کتاب رایانه) متصلند و از امکان و اطلاعات نشر آگاهی می‌شوند. شبکه کتاب رایانه شامل بانک اطلاعاتی کتاب‌های منتشر شده در داخل کشور است که در بانک ملی و همچنین به کتابخانه‌های عمومی با تصمیم اهالی خود، بخش دیگری مراکز تازه‌های کتاب، اطلاع رسانی رایانه‌ای کتاب‌های منتشر شده در کشور است. که این بخش در برخی استان‌ها از طریق لوح‌های فشرده کارنامه نشر راهنمای ناشران، کتبیه و اتصال به شبکه جهانی اینترنت راه‌اندازی شده است.

این نمایشگاه شامل مجموعه‌ای از طرح‌های پژوهشی، تحقیقی و اجرایی ارسال برای سلفه بهترین طرح‌های ترویج کتابخوانی در سال ۱۳۷۹ به دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفتصد روز از هفته کتاب برگزار شد. این نمایشگاه شامل مجموعه‌ای از طرح‌های پژوهشی، تحقیقی و اجرایی ارسال برای سلفه بهترین طرح‌های ترویج کتابخوانی در سال ۱۳۷۹ به دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی است. عناوین تعدادی از این طرح‌ها شامل ترویج کتابخوانی با رویکردی به مشکلات و موانع کتابخوانی دانش‌آموزان، کتاب کلوب، طرح فروش اقساطی کتاب، بررسی وضعیت کتابخوانی، پژوهشی در باب یادگیری خلاق، شناسایی راه‌های توسعه فرهنگ مطالعه، روش‌های تعیین و نهادینه کردن مطالعه و نقش ویژه آموزش و پرورش در این زمینه است. این نمایشگاه دوازدهم آبان طی یک روز فعالیت به کار خود پایان داد.

جنسیت‌های مختلفی را براساس موضوع کتاب، عنوان، پدیدآورنده، ناشر و به آن انجام داد. همچنین آخرین شماره مجموعه نشریات کتاب ماه و کتاب هفته به طور مستمر برای عرضه به این مراکز ارسال می‌شود و علاوه‌مندان می‌توانند یا مراجعه به این مراکز، مشترک مجموعه نشریات خانه کتاب شوند.

در حال حاضر ۳۳ مرکز تازه‌های کتاب در سراسر کشور مشغول به کار است. در ۲۸ مرکز استان کشور، ۲۸ مرکز اصلی تازه‌های کتاب و در شهرستان‌های نایب استان‌ها ۱۲ مرکز شهرستانی شامل: جابوره، بیرجند، تربت حیدریه، تربت جام، گناباد، نیشابور، اسراون، فردوس، مرندجان، زابل، دهلران، همدان و شامیر، شهر مشغول به کارند. در استان تهران سه مرکز اصلی که دو مرکز آن در شهر تهران و یک مرکز در شهرستان ری واقع شده است، به فعالیت مشغولند.

در برخی استان‌ها اداره‌های کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان از کل سهمیه ارسال کتاب‌های مراکز تازه‌های کتاب، اقدام به گسترش این مراکز در سطح شهرستان‌های آن استان می‌کنند که این امر با استقبال گسترده کتابخوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان روبه‌رو شده است.

از آبان ماه ۱۳۷۸ تا پایان شهریور ۱۳۸۰ در مجموع ۱۷ هزار و ۹۶۶ عنوان کتاب برای هر یک از مراکز اصلی توسط مؤسسه خانه کتاب ارسال شده است. در برخی از مراکز تازه‌های کتاب از سال ۱۳۸۰ علاوه



بر اطلاع رسانی کتاب‌های منتشر شده در کشور، نشست‌های نقد و بررسی کتاب نیز با حضور صاحبان نظر و کارشناسان کتابخوانی برگزار می‌شود که از جمله این استان‌ها می‌توان به استان‌های آذربایجان غربی و مرکزی اشاره کرد. همچنین این مراکز به نمایش رویدادهای فرهنگی، اقدام به برپایی نمایشگاه‌های مقصص کتاب و نیز با همکاری برخی مراکز دانشگاهی از جمله دانشگاه‌های علوم پزشکی به صورت منظمی موردی اقدام به برپایی مراکز تازه‌های کتاب پوششگی کرده‌اند.

براساس گزارش‌های ارسال‌ای از استان‌ها، بیشتر مراجعین به این مراکز را دانشجویان، دانش‌آموزان و نویسندگان و مترجمان تشکیل می‌دهند. اداره‌های کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها قضایای افزایش سهمیه کتاب‌های ارسال‌ی به این مراکز را دارند تا با کمک اداره‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان‌ها، مراکز فوق را در شهرستان‌ها نیز مابر کنند.

فهرست مراکز اصلی تازه‌های کتاب در کشور
استان آذربایجان شرقی: تبریز، ۲۹ شعبه، مجتمع فرهنگی و هنری و اسر، استان آذربایجان غربی: ارومیه، همدان، خیابان باهنر و برق، مجتمع فرهنگی اسر، اردبیل/دیوان

جبار گوشه ایران

برنامه های هفته کتاب در مازند

ویژه برنامه های دهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در شهرستان مازند به اجرا درآمد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران ثبت نام رایگان در کتابخانه‌های عمومی برپایی یک دوره نمایشگاه بزرگ تازه های کتاب در کتابخانه عمومی مهنه، آسرد و برگزاری جشن کتاب در کتابخانه های عمومی غدیر گیلان از جمله بر تگانه ها است. همچنین در این هفته از اعضا و کتابخوانان کتابخانه های عمومی و کتابخوانان شهرستان مازند تقدیر شد.

۲ نمایشگاه کتاب در اسلامشهر برپا شد

همزمان با دهمین دوره هفته کتاب در نمایشگاه تازه های کتاب در شهرستان اسلامشهر افتتاح شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران در این دوره پیش از یک هزار و ۵۰۰



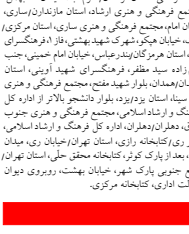
پل عالی، خیابان شهید مطهری، جنب بیمه ایران، کتابخانه شامرو، ۸ استان اصهان/خیابان چهارم خاوهی، کتابخانه ای مسکویه، طبقه دوم، استان ایلام/ایلام، جنب پهنشی، خیابان پروری، مجتمع فرهنگ و هنری ایلام، استان بوشهر/بوشهر، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان چهارمحال و بختیاری/بهرکرد، مقاطع بلوط کاشانی و زارابی، مجتمع فرهنگی و هنری غدیر، استان خرماسان/مشهد، میدان آزادی، پارک مهنه، مجتمع انومر، استان خوزستان/اموز، خیابان فلطین، جنب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه شهید رجایی، استان زنجان/خیابان سعیدی، وسط، کتابخانه شهرداری، مرکز خانه کتاب استان سمنان/بمقال اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگسرای گوش، استان سیستان و بلوچستان

راهنان، جنب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجتمع فرهنگی و هنری استان فارس/شیراز، خیابان نادر، کتابخانه وصال استان قزوین/کتابخانه امام خمینی (ره) استان اهر

قد، خیابان ساحلی، کتابخانه آیت الله، محله ای، استان کردستان/سنج، خیابان پاسداران، جنب اداره کل فرهنگ، استان گلستان/گلستان، خیابان رجایی، کتابخانه ملی، نمایشگاه تازه های کتاب، استان کرمانشاه/جنب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه شهید بهشتی، استان گلپوایه و بیراجند/باسنج، میدان معلم، روبروی اداره کل آموزش و پرورش، مجتمع فرهنگی و هنری پاسوج، استان گیلان/رشت، خیابان سعیدی،

مجتمع فرهنگی و هنری خاتم الانبیا، استان گستان/کرگان، گل نشکر، جنب لشکر ۳۳، گلستان/بهرالذین، آسرد، گرگان، استان اردبیل/بهر و آهنگ، میدان ۲۲ بهمن، مجتمع فرهنگی و هنری ارشاد، استان آذربایجان/تبریز، میدان امام، مجتمع فرهنگی و هنری سراسر استان کرگری/ایران، خیابان مهنی، شهرک شهید بهشتی، خیابان آوا هنرگسرای آینه، استان هرمزگان/بندرعباس، خیابان امام خمینی، جنب امامزاده سید مظفر، فرهنگسرای شهید آوینی، استان همدان/همدان، بلوار شهید مفتح، مجتمع فرهنگی و هنری این سینه، استان یوزویه، بلوار دانشجو ایلا، از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجتمع فرهنگی و هنری جنوب شرق، دهلران/دهقان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهر ری/رکناخته، زاری، استان تهران/بازار رفاه، میدان قیام، ده، از پارک فرهنگ، کتابخانه محفل طی، استان تهران

شهرک جنوبی پارک شهر، خیابان بهشت، روبروی دیوان عدالت اداری، کتابخانه مرکزی.



عنوان کتاب از ناشران مختلف در این نمایشگاه‌ها وجود دارد و با ۷۵ درصد تخفیف به فروش می‌رسد.از برنامه های جنبی نمایشگاههای مزبور می توان به ثبت نام رایگان و سلفه و خاصه نویسی آثار گروه‌هایمندان می‌تواند جهت بازدید از این نمایشگاهها از ۱۴ تا ۱۶ آبان ماه جاری به کتابخانه های عمومی شهید مصطفی خمینی به شهید آوین مراجعه کنند.

مخازن کتابخانه های عمومی شهر تهران غنی تر شد

کتابخانه های عمومی شهر تهران به تازه ترین کتاب های منتشر شده سال تجهیز شدند. به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران با خرید جدیدترین آثار منتشر شده که در نمایشگاههای تازه‌های کتاب استان تهران عرضه شده است از این پس ۲۱ باب از کتابخانه های شهر تهران، خدمات خود را با خرید جدیدترین آثار منتشر شده، این اقدام به مناسبت دهمین دوره هفته جمهوری اسلامی ایران برای کتابخانه های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران انجام پذیرفت.

مراکز تازه‌های کتاب در کشور

نهیضت خاطر ه نویسی

آنچه بعد فردوشستن گردد و خاک هر جنگی به چشم می‌خورد، بیرونی‌ها و کشته‌هاست. این چشم‌انداز که پس از عرد شدن استخوان‌های اقتصاد یک کشور و نیز لطمات جبران‌ناپذیر انسانی پدیدار می‌شود، فرآورده‌ای جز غنرت به همراهِ تاراجِ امارت‌نیم که ملت‌ها در پی این بی‌زاریِ طبیعی، قهرمانی‌های فرزندان سوزمستان را باهم می‌زاند و محاصر نیستند، یاد و نام آنان زیر گام‌های سنگینِ زمان رها شود. موزه آنکه فرزندانِ مامِ مهین در جنگی دفاعی جان باخته باشند و خرابی‌ها را در چکمه‌های نجار یوده‌باشند، ادیان و هر مذهبِ پیشگامان این صحنه هستند. آنان از خلاقیت‌های ادبی و هنری خویش، خواسته و ناخواسته، افتخارات این مامند را ضعیف می‌زنند و نگه می‌دارند.

این فرآیند فرهنگی تقریباً در همه درگیری‌های نظامی دیده می‌شود اما به دنبال دفاع هشت ساله ملت ایران پدیده تازه و به سابقه‌ای در عرصه فرهنگ رخ نموده که می‌توان آن را نهیضت خاطر نویسی، نامید. در اینجا جدا از هنرمندان و نویسندگان که تلاش درحوری برای خلق ادب و هنر پایداری به خرج دادند، جنگ‌گردگان که همانا صامه مردم بودند، اقدام به نگارش یادگاری‌های خود از دفاع هشت ساله کردند. آسار قابل توجه این نوشته‌ها، تنوع و پراکندگی اقسام آن در دوره نسبتاً طولانی این اقدام، که تقریباً دو دهه به درازا کشید، ویژگی‌هایی است که با اطمینان می‌توان تعبیر نهیضت خاطر نویسی، را بدان اطلاق کرد. این پدیده که به لحاظ فرهنگی، رویدادی ستودنی است، از جهات گوناگون محل بررسی و دقت است. اینکه چرا در دیگر مقاطع تاریخی که مبرهای جغرافیایی با هجوم قوای بیگانه می‌شکست و توحش رومیسی زیر سِهم و ارابه‌های دشمن گنگدل می‌شد و به بنام می‌رفت، چنین اقدامی صورت نگرفت؟ اینکه چرا جنگ‌گردگان در نگهداری مکتوب آنچه بر آنان گذشته، اینچنین اصرار ورزیدند؟ اینکه چرا سازمان‌هایی برای هدایت و تولید این آثار مولد شدند و پایبند؟ اینکه با همان‌ها نوشته شده است؟

گفت و گو با محمود یوسف فانی دبیر کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

شعر و داستان جنگ در حوزه ادبیات بررسی می شوند

آزاده سیدین

ارژویی کتاب‌ها یکی از مهترین شیوه‌های سنجش رشد علمی - فرهنگی هر جامعه است که علاوه بر نمود آثار پژوهش‌دانشمندان، فرهنگستان و مراکز تحقیقاتی، رویدادهای مهم اجتماعی، سیاسی و تاریخی را یادگار است. رسته‌های مختلف می‌توان نقاط ضعف و قوت آنها را در عرصه‌های بیان شده مطرح کرد تا کیفیت و کمیت آنها ارتقا یابند.

در پی این دیدگاه، به مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۲ محتوای کتاب‌های منتشر شده مختلف بررسی می‌شوند. محمود یوسف فانی در این باره می‌گوید:

اسامیل بیستین سالگرد مراسم کتاب سال

جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود که در آن همه کتاب‌های فارسی و غیرفارسی چاپ شده در ایران مورد بررسی محتوایی قرار می‌گیرند. همچنین برای سهولت انتخاب برترین اثر مکتوب، این کتاب‌ها طبق رده‌بندی دیوبی و کنگره طبقه‌بندی موضوعی شده‌اند و مورد داوری قرار می‌گیرند.

گزینش کتاب‌ها یا چه معیارهایی انجام می‌شوند؟

هر موضوع و محتوایی که کتابی در آن باره نگاشته شده، داوری‌های مشخص یا تخصص مربوطه در این زمینه دارند که آثار ارسالی به دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را با معیارهای خاص آن موضوع مورد سنجش قرار می‌دهند.

در گزینش کتاب سال برتر تا چه اندازه به محتوای کتاب‌های مرتبط با انقلاب و جنگ اهمیت داده می‌شود؟

در تقسیم‌بندی طبق رده‌بندی دیوبی موضوع خاص به نام جنگ و انقلاب موجود نیست که اگر شعر یا داستان

برسل پس از جنگ گذاشت؟ اینکه خاربه، سبقت قابل توجهی از دیگر گونه‌های نگارشی گرفت و فراست مخاطبان بیشتری به خود جلب کند؟ اینکه فرهنگ نویسی به نام فرهنگ جبهه از دل این خاطرات به درآمد و ماهیت خود را به شدت رسانده؟ اینکه شماری از این خاطره‌نویسان تبدیل به نویسندگان حرفه‌ای ادب پدیداری شدند و بزرگترین جوایز و ستون‌های ادبی را از آن خود کردند؟ اینکه «ادب پنداری» به عنوان گونه‌ای ملموس و نشان‌دهندهٔ در ترویج ادبیات معاصر ایران جایی پیدا کرده همه و همه را می‌توان در نهیضت خاطر نویسی جستجو کرد.

این اتفاق پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد یعنی مردم کوچک و بزرگ، اهالی خیابان چهارمردان قم، تربیت نیرو، نمازگزاران مسجد نو شیراز، ساکنان خیابان‌های اطراف حرم رضوی مشهد، حاضران در مصالحت تحت فرآه اسفهان، جوانان کتکخو، مسایگان تبعیدی‌ها در بندلنگه، اهالی میدان ژاله و ته‌های قیصر به تهران و… دست به نگارش آنچه که در اطراف آنها می‌گذشت می‌زنند. به همین دلیل خاطرات به‌جامانده از انقلاب پیش از همه، خاطرات سران و هیران انقلاب است که سال‌ها بعد با تلاش گروه‌هایی که نسبت به نگهداشت آن رویداد بزرگ حساسیت داشتند، گردآوری شده اما در جنگ هشت ساله کمتر از خاطرات سران نظامی سراج فاریم و سنگینی مطبق پاینده جنگ‌گردگان است. یعنی واظیانی که با عنوان سبج به جنگ اعزام می‌شدند و در دوره بعد نیروهای سیاه و ارتش، همه آنانی که کوشش کوتاه‌مدت در حوزه ادب پدیداری کرده‌اند، می‌دانند که این حجم از آثار منتشر شده، در خلال جنگ و پس از آن وجود دارد. اما واقعیت این است که ما با یک پدیده فرهنگی تازه مواجه هستیم که با شایستگی به آن نمی‌توانیم. این خاطرات از جنس، با هر قدرت و با هر قاب رشت و زیبا که نوشته و چاپ شده باشند، گنجینه‌ای است که فعلاً در جای واقعی خود قرار نگرفته. دیرپا و دین آثار گرانبها به عنوان اصلی‌ترین شانسنامه فرهنگ جنگ شناخته و قدر و قیمت آن روشن خواهد شد. اما گر این کار را نکنیم، چه بسیارند مستشرقان فرهنگی؟

گفت و گو با محمود یوسف فانی دبیر کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

شعر و داستان جنگ در حوزه ادبیات بررسی می شوند

آزاده سیدین

ارژویی کتاب‌ها یکی از مهترین شیوه‌های سنجش رشد علمی - فرهنگی هر جامعه است که علاوه بر نمود آثار پژوهش‌دانشمندان، فرهنگستان و مراکز تحقیقاتی، رویدادهای مهم اجتماعی، سیاسی و تاریخی را یادگار است. رسته‌های مختلف می‌توان نقاط ضعف و قوت آنها را در عرصه‌های بیان شده مطرح کرد تا کیفیت و کمیت آنها ارتقا یابند.

در پی این دیدگاه، به مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۲ محتوای کتاب‌های منتشر شده مختلف بررسی می‌شوند. محمود یوسف فانی در این باره می‌گوید:

اسامیل بیستین سالگرد مراسم کتاب سال

خاصی باین موضوع نگارش شده باشد در حوزه ادبیات سنجیده می‌شود. همان‌طور که در بعضی مراسم انتخاب کتاب برتر جمهوری اسلامی ایران کتاب شعر و داستان در این کشور گزینش شده است.

با توجه به اهمیت ویژه جنگ و انقلاب که از واقع مهم تاریخی - اجتماعی ایران است، آیا نباید کتاب‌های مرتبط با این واقع در تقسیم‌بندی جداگانه‌ای بررسی شوند؟

اگر تقسیم‌بندی موضوع کتاب‌ها بر اساس واقع مهم جامعه باشد از جنگ و انقلاب مهمتر، اسامیل است و کتاب‌های مذهبی برای قرار گرفتن در رده‌بندی جداگانه اولویت برتری دارند.



ادبیات جنگ در تقابل با زندگی نیست

مجید قیصری مولاد ۱۳۴۵ نویسنده آثاری چون «صیافت به صرف گلوله»، «تفرم از دست چپ» و «صلح» از نویسندگان جوان و پرکار است که در این کتب کوتاه به سولات ما پاسخ داد.

وقتی می‌گویم ادبیات جنگ، در این نوع ادب با چه ویژگی‌هایی روبرو هستیم؟

ادبیات شام و ریشه‌هاش، ادبیات روسی، چایی و ساسی یک موضوع بیشتر ندارد. آن انسان معاصر است و وقتی که باصفی به نام جنگ باسر ادبیات می‌رویم باید ببینیم این جنگ در کدام حوزه جغرافیایی بوده، در غرب یا شرق، کُتور و مکتب، برده از صخلت‌های بشری می‌راند. به یک فرده است. این ادبیات جغرافیاست که مردم را به نگارهای سرخ و سیاه قراردهد. باقرها و طاغران کورگان، نظم گلنده در تمام دنیاها یک واکنش بیشتر دارد و چون انسان‌ها در تمام جغرافیایی که می‌نویسند، یک یک بیشتر تلاش می‌کنند که قدم به دست‌پوشی بزرگ‌اند. چه زندگی باخوبی بیشتر نگاشته باشند. در این صورت است که می‌تواند مردم بی‌سواد را با شناسند و از آنها بوسید. تمام ویژگی‌های ادبیات جنگ (تخلیفات ادبیات فلسفی) در همین نکته نهفته است.

خوب زندگی کردن به اضافه جنگیدن این مطلب را در این سال‌ها بخوبی فهمیده‌ام که ادبیات جنگ در تقابل با زندگی نیست بلکه رویکردی دیگر به زندگی است. رویکردی که شاید برای هر نسل پیش نیاید.

آیا در کنار ادبیات جنگ، ادبیات ضد جنگ هم داریم؟
نگارنده نمی‌داند. درست یا نادرست، ادبیات جنگ حتی ادبیاتی که با قصد و نیت صریح زند به پاینده جنگ نوشته می‌شوند، تصوری غیر از این ادبیات نمی‌بینم. ممکن نیست داستانی در حوزه جنگ نوشته شود و خواننده در انتهای داستان نگارشش نسبت به جنگ مثبت شود. بحث حق دفاع از خود بحث بدیهی است. اینکه نیاز به تکرار ندارد و فکر می‌کنم جان کلام این باشد، کسی که با تمام وجود از خودش دفاع کرده حق دارد که داد بزند. سینه‌سینه بچاک خوردن و زمین و زمان لعن و نفرین کند که این چه معنییی بوده که به سرش آمد. این حق طبیعی ماست کسی که بیشتر از همه در این عهده آسیب دیده است.

سه اثر برگزیده در حوزه جنگ؟

امید، اندازه مایر و جاده فالندر، روز سومین دره، مارگریت دروایس.

مؤزگرد ارژویی داستان‌ردهای تنجها و چهارمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت

ناشران از موانع نشر کتاب در جهان می‌گویند

همایش شرکت کنند تا یکی از آنها در فرقه مربوط حضور داشته و دیگری در برنامه‌ها و مراسم اجرا شده در فرقه‌های مربوط به کشورهای دیگر حاضر شوند، چرا که بسیاری از افراد حاضر در این نمایشگاه ناشر نیستند و مناسب است برای آنها نیز تجربه‌ای مفید از سخنرانی‌ها و نشست‌های برگزار شده کشورهای مختلف فراهم شود.

مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مهدان در پایان تأکید کرد: راهنمای بازار جهانی کتاب از نیازهای اساسی حاضران ایرانی در فرانکفورت است که باید برای آنها تهیه شود. در ادامه این نشست محمد جعفری مدیر بنگاه ادبی میرزا با اشاره به دو موضوع حضور نگاههای ادبی و ناشران در نمایشگاه‌های بین‌المللی فرانکفورت گفت: بنگاه‌های ادبی با تفکک و ناشران با هماهنگی عملکرد مشترکشان در عرصه آثار فرهنگی ایران تلاش کنند.

حسین پور آغاسی مدیر مسؤول انتشارات امید فرازانگان گفت: زمانی می‌توان از حضور در مجمع جهانی بهره‌مند شد که شرکت کنندگان آن همایش با اهداف و برنامه‌های مشخص حضور یابند و بتوانند نیازهای اطلاعاتی خارجیان درباره ایران را پاسخگو باشند. لازم به چنین همکاری‌



کتاب ماه دین، بناگذاری سرسبیری خود را به آقای «حسن طارمی» واگذار کرده است. زیرا سرسبیر سابق این نشریه برای مامورینی علام خزرج از کشور شده است.

حجت‌الاسلام حسن طارمی، چند شماره ابتدایی کتاب ماه دین را سرسبیری کرده و اکنون بعد از گذشت چهار سال، دوباره مسؤولیت آن را بر عهده گرفته است.

وری با تشکیل یک هیأت تحریریه، قصد دارد با تغییرات اصولی در وضع انتشار کتاب ماه دین، آن را به سمت جهانی شدن بکشد.

سرسبیر جدید کتاب ماه دین، درباره برنامه‌ها و سیاست‌های تعیین شده خود پیرامون انتشار این نشریه توضیحاتی داده است.

کتاب ماه دین، انتشار خود را با سرسبیری‌شما آغاز کرد و بعد از چند شماره سرسبیری آن به حاج آقا سبیری سپرده شد. چه عواملی باعث شد که آن را واگذار کنید و دوباره بعد از انتشار شماره پنجاه و ششم، مسؤولیت سرسبیری را بر عهده بگیرید؟

فکر می‌کنم در سال ۱۳۷۶ طرح مجله کتاب ماه مطرح شد و عده‌ای برای کار دعوت شدند. بنده هم برای مجله کتاب ماه دین، به طول همکاری دادم و چند شماره‌ای را منتشر کردم. اما اختلافات بنده در کار داشتند، همین‌ا علاوه مدتی برای ادامه کار بود. در نتیجه برای من ادامه آن مقدور نبود و حساب آقای سیدحسین میر تقی‌پول رحمت کردند و کار مجله را پیش بردند و ما هم جزو استفاده‌کنندگان مجله بودیم و معمولاً هر شماره که به دستم می‌رسید، تمام مطالب آن را از جمله شرح حال معرفیه‌ها، کتب‌شناسی‌ها و نقدها را علناً مطالعه می‌کردم تا اینکه به دلیل سفر و مأموریتی که برای آقای میری پیش آمد و ایشان از ایران رفته‌اند، دوباره دوستان گردانندگان کتاب ماه و آقای رفعتی‌نابودیور با من صحبت کردند که اگر می‌توانم، همان همکاری سابق را شروع کنیم. بنده هم به دلیل اینکه اصل جزو علاقه‌مندان این نوع مجلات هستم آن را پذیرفتم و فکر می‌کنم با توجه به کثرت آثار منتشر شده در حوزه‌های مختلف موضوعی، جمله‌های کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی به انسان کمک می‌کنند تا در آن فضای که پایدقتس کنند.

کتاب ماه دین نیز، با توجه به حجم بالای نشر دینی، طبیعی است که وقتی منتشر شود و در دسترس قرار گیرد، همگان نسبت به انتشار هر شماره در می‌یابند چه کتاب‌هایی مهم و چه کتاب‌هایی مورد بحث هستند و از باب و استجاب نقد در این حوزه بیشتر چه چیزی توجه دارند؟
گزینه‌ی کتاب‌های نقد و تحلیل چقدر می‌تواند آنها را به مقصود خود نزدیک کند.

بنا براین شما برای انتشار مجله و انتخاب مطالب به نیاز مخاطبان خود هم توجه دارید.

بله. با توجه به کار مجموعه انتشارات و برای اینکه بدایم علم در حوزه دین به چه مواردی توجه دارند و مطالبی که برای آنها جذاب توجه است، طبعاً گرایش مخاطبان، بر اساس نیاز مخاطبان خواهد بود. بنا براین، از نوع مطالبی که در مجله منتشر می‌شود، به ترتیب حال و هوای پرستش‌ها و علاقه‌های مخاطبان را درنمایم. یعنی حتی می‌توانیم بگویم که اکنون ما مباحثی در حوزه دین مورد توجه انحصاری قرار می‌گیرد. چون انواع کتاب‌ها چاپ می‌شود و بعضی از آنها مورد نقد یا معرفی تفصیلی قرار

اکنون که شما این مسؤولیت را پذیرفتید، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که مجله تا به حال پیش گرفته، دنبال می‌کنید یا اینکه مثنی مجله را تغییر می‌دهید؟

می‌توانم بگویم مثنی مجله را تغییر می‌دهیم. ولی تجدیدنظر در برخی از محورها موافق باشت. بر اساس بررسی که انجام دادیم، موضوع مهمی که در اینگونه مجلات باید مدنظر قرار بگیرد، وظیفه اصلی آن یعنی اطلاع‌رسانی در حوزه مثنی اطلاع‌رسانی کتابی آن هم با این فکری یعنی نه حتی اطلاع‌رسانی نشر الکترونیک؟

دقیقاً کتاب و آنچه که به صورت مکتوب در می‌آید. همچنین در این گفت‌وگوها و بررسی‌ها، سعی کردم این بحث را مطرح کنیم که خطری اصلی‌ای که مجله ما را تعریف می‌کنند، به لحاظ مدتی که تعیین شده، گمانه و پیش‌پایندگی به چه مواردی بریزانیم تا در پیام به این دلالتی است که مخاطبان مجله، به سراغ ما می‌آیند. بنا براین به این توافق رسیدیم که بیشتر به نثر جاری بپردازیم.

البته بهترین هدف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از راه‌اندازی این مجله‌ها ارائه کارگشی آماری و تحلیل و تقد و وضعیت موجود نشر بوده است؛ چرا که می‌خواهد هم وضعیت نشر را بهبود و ارتقا بخشد و هم سمت و سوی منطقی برای آن ایجاد کند. حالا در هر حوزه‌ای باشد، فرقی نمی‌کند. کتاب ماه دین نیز باید به این نقطه جدی توجه کند. به نظر ما آمدن این نشریه با توجه به این هدف و حفظ

این چارچوب، گامی در بعضی از شماره‌ها از آن فاصله داشته است. ما باید تا می‌توانیم از مقلاتی که بعد مستقیم از راه‌اندازی این مجله‌ها از آثار ما می‌کشند، بی‌گناهی گرفت. اما در هر حال، نمی‌خواهیم چاپ بدون ولی آنها شاخصهٔ دقتی برای سنجش وضع نشر ریاضی در ایران نباشند. به همان اعتبار، تعداد زیاد چاپ قرآن است که یک کتاب خاوراوقی ماست و در هر خانواده‌ای چند نسخه از آن پیدا می‌شود و یا به دلایل کوناگون برای استفاده‌های مختلف وجود دارد. در

هیئت قرآن می‌خواهیم، در مساجد و همین طور مکان‌های دیگر برای اینکه قرآن کتاب مقدس و جزو لاینفک زندگی ماست، ما باید قرآن را یک کتاب دینی قرار می‌دهیم. بعد مستقیم

در ۱۰۰ هزار عنوان چاپ شده است. اما در این فضای عصری است. اینکه کتاب‌ها باید در بررسی کلاهای معرفی فرهنگی، خاوراوقا قرار بگیرد و آثار ما جدا شود.

در بررسی‌های آماری باید تمام کتاب‌ها را با تفکیک کلیتاً برای داستان بنویس، یک با قیاف بازی کنیم. بیسبب که در داستان دینی، وضع چگونگی است. گزارش آن‌ها مهمی کنیم و از اهل فن بخواهیم که سطح آنها را بررسی و مخاطبان آنها را شناسایی کنند.

به نظر من اینها، موضوع‌عامی است که در حوزه نشر دینی، اکنون، که باید انجام بگیرفته است. ما می‌خواهیم بر اساس طریحی که در مجله داریم به اسناد آمان، شروع به تحلیل کنیم. در هر شماره یک موضوع را بررسی و سال بعد در مورد آنها بررسی مقایسه‌ای انجام دهیم. یکی دیگر از محورهای که به اعتقاد بنده، اهالی کتاب دینی دربارهٔ آن اطلاعات چندانی ندارند، وضع نشر دینی در جهان اسلام، الان در ایران چند نفر هستند که بتوانند در مائز ، کنسوری که جریان اسلام قرآنی بسیار قوی دارد، وضع نشر دینی چگونگی است. در ترکیه یا در اروپای جنوب شرقی، مراکش، و، چچنر، آیا آنها به مسائل جدید توجه می‌کنند یا خیر. نشر ساجت جدید در آنجا در چه محورهای انجام می‌گیرد. آیا وزارت اوقاف آنجا سانسور می‌کند یا خیر. همه اینها چیزهایی است که باید با آگاهی رساندن، سطح اطلاع جامعه را بالا برد. وضع نشر دینی در جهان مهمی که برای جهان اسلام اتفاق افتاده، قطعاً جغرافیایی است. بنا براین، برای حل این مسائل، پیشینه‌گذاری درمبج و درمبج بسیار شایع، درباره مسئله افتاد، کنیم.

یعنی شما فکر می‌کنید که این اطلاع‌رسانی از وضعیت نشر دینی در جهان به وضعیت نشر کتاب‌های دینی در کشور کمک می‌کند؟

ما در کتاب ماه دوحث و هدف داریم، یک هدفمان بهبود نشر دینی است و یک هدف هم اطلاع‌رسانی است که ما به عنوان بخشی از جهان اسلام باید داشته باشیم. یعنی این اطلاع‌رسانی از وضعیت نشر در جهان اسلام چند فایده دارد. اولاً ما را به جهانی که به آن تعقی داریم، واقف می‌کند. بیوتد باید ما را با آن جهان قوی‌تر می‌کند و ثالثاً به ما کمک می‌کند که بتوانیم خودمان را با توجه به اطلاعاتی که داریم، تصحیح کنیم. به نظر من یکی از زمینه‌هایی که در آن دچار خلأ هستیم همین است.

در حال حاضر با توجه به این شکل و شباهتی که کتاب ماه در ایران دارد، به صورت کلی، چگونه می‌توانیم این کار را در حدی که در ترومان است، صورت بگیرد، البته نه به صورت خیلی فوری، به صورتی که مخاطب‌های کوناگون از این مجله بتوانند استفاده کنند. این هم از جمله نکاتی است که مدنظر هستم. یعنی کتاب ماه دین فقط برای فضای حوزه علمیه، آمیخته دانشگاه و محققان دین نوشته نمی‌شود، بلکه برای مجموعه‌ای از مخاطبان که می‌خواهند در حوزه دین مطالعه کنند، منتشر می‌شود. پس باید توازن را برقرار کنیم.

فاطمه نصیری ما **کویت ۹۷۹۷**

حجت الاسلام حسن طارمی، سردبیر کتاب ماه دین:

اطلاع رسانی و بهبود نشر دینی هدف ماست



ماه دارد، فکر می‌کنید بتواند این حجم را بپذیرد؟

بله. اگر ما بتوانیم هر شماره را با بودجه‌بندی کنیم، به این صورت که برای یک سال یعنی ۱۲ شماره، که حدوداً

۱۰ صفحه مطلب است. هفت محور را بودجه‌بندی کنیم. این اتفاق رخ می‌دهد. اساساً برسی محور ما، معرفی و نقد کتاب‌های تازه منتشر شده است. پس در هر شماره سه مقاله به آن اختصاص می‌دهیم. در سال هم اگر دو مقاله در تحلیل آماری وضعیت نشر دینی در ایران داشته باشیم کافی است.

کار نشریه‌های کتاب ماه را یک سرسبیر و یک معاون سرسبیر انجام می‌دهد. فکر می‌کنید تمام این طرح‌ها را یک کادر بتواند انجام دهد؟

طرحی را که بنده برای ادامه کار در کتاب ماه دین ارائه کردم این بود که یک هیأت تحریریه را با این دید که مجموعه اهداف کتاب ماه را پوشش دهد، دعوت کنیم و این طور تشخیص دهیم که هر کسی یک محوری را بر عهده بگیرد و طرح خودش را برای یک سال ارائه دهد و برای اینکه بتوانیم کار مقفولتری انجام دهیم، حجم کار را بین افراد تقسیم کردیم.

با تمام مشغله‌هایی که دارید، برای کتاب ماه دین چقدر زمان صرف می‌کنید؟

از همان ابتدا که بحث واگذاری مسؤولیت سرسبیری کتاب ماه دین به بنده مطرح شد، دو ساعه پیش آمد و یکی اینکه بنده تجربه مجله‌ای نداشتم و هنوز هم ندارم و فکر نمی‌کنم موضوعی باشد که بخارم یا آن ذکر کنم. لذا کسی برای من سخت بود. دیگر اینکه مشغله‌های زیاد بود. خوشبختانه در طول این مدت، کتاب ماه دین شکل خود را از حدودی یادگرفته و تکلیف و روشن است. اجرایی کار معلوم است. جمع می‌کند این مجله نابدهی. می‌کند چقدر فضای معرفی، مشکل دیگری ندارند. فکر می‌کنم شرایط موجود، امکان‌پذیر و وقت‌گذاری‌های ویژه باشد. آنچه که از بنده خواسته شده سرسبیری است و برای بنده در اینجا، بیشتر مشورت دادن و مراقبت است که در این چارچوب کار فراموش نشود. درصحت عهده کار را معمولت سرسبیری و اعضای تحریریه می‌کنند. من هم اساساً کردم در این شرایط لازم است. کار را قبول کنیم. میراث‌رایی اینکه کار فعال‌ترین نماینده بنده‌ایم. چون تقریباً بنده در نشر نداشتم، جهان اسلام است و در صورتی آن کار ادامه پیدا می‌کند که به این کار ملحق نشود. دوستان در هیأت تحریریه برای وقت‌ها واقف هستند و چون در جلسه بعد، طرح‌های یک ساله خود را خواهند آورد. کار سبک‌تر است.

با بنده در هر یک ماه، هر مقاله‌ای که می‌رسد از جلسه مقاله نقد کتابی، مقاله توضیحی، مقاله معرفی انتشاراتی‌های بزرگ و… اعضای تحریریه بر حسب نیاز انجام می‌دهند. به طور کلی، یک کاری که تا حالا انجام نمی‌شده است. چون عمل ویرایش روی مقاله چیزی است که بعضی‌ها خیال می‌کنند کار اضافی است. من در این کارها همرا خواهم بود. اما درمورد باعث کندهی کار نشود و از طرفی به این کار خود هم عطفه‌ای ندارد. اگر هم نقطه خورد، مثل گذشته، مطرح‌خواهی می‌کنم. در صورت بنده وقت شگرفی نخواهم گذاشت. این مسلم است.

است گروهی که در دفتر هنر مقاومت صورت گرفته است. بنظر من مشکل اصلی ادبیات پایداری، دوستی بودن آن نیست بلکه عدم شناسایی و نادیده گرفتن و بدسلیقه‌گی که دامن گیر آن شده است... و می‌فرایند: امروزه ادبیات پایداری، چون با جنگ در رابطه است، مسلماً احتیاج به همکاری ارگان‌های دولتی و نظامی دارد. یعنی بدون ارتباط و هماهنگی با آنها نمی‌توانیم استاد و مدبرک جنگی دست پیدا کنیم. ولی اصل این است که افرادی که از حمایت‌ها را انجام می‌دهند، باید حمایتی غلظت‌مانده داشته باشند، یعنی حمایت آنها به رندم یا رندگی ادبیات جنگ منحصرشود و از اصالت حفظ‌ها به دور باشد. نکته دیگر آن است که کتاب‌ها باید محافظت مان داشته باشند. ولی مسلماً کتاب‌هایی را که صحت، سادگی، محاط، علم، خوانند داشت که در آن به بحث انسانی جنگ که پایان‌ناپذیر است، توجه کنند. مردم وقتی صداقت را از ادبیات می‌بینند به اثر نزدیکتر می‌شوند. کاظمی در مورد کارهای بعدی خود می‌گوید: کتاب چهارم من در مورد حضور سده‌ای است. ۳۰قره از نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ سال در جبهه فلاس است که امروز از این گروه می‌فرماند. فقط ۷ نفر زنده هستند. این کتاب جزئیات درگیری یک‌ساعته گردان را به شکلی موشکافانه نشان می‌دهد.

دیدگاه‌های سه کارشناس

داگر این فرمول را از اپدیزیم که ادبیات جنگ با شلیک ادبی گزلبه به دنیایم آید، در زمان جنگ رزمی کند و بعد از جنگ به بلوغ می‌رسد، بنابرین پرداختن به ادبیات حتی زمانی که ممکن است من و شما باشیم هم لازم است. ادبیات جنگ، جایی است که زندگی در آن جریان دارد، اما آنتن جنگ در مقابلش زبانه می‌کشد. گذار از این آنتن و تلاطم برای ما،لین، ستونی و جذاب است. مومنی سرگهی رئیس فنر ادبیات و هنر مقاومت درباره مشکلات نویسندگان در این حوزه گفت: نویسندگان این عرصه پیش از درک شدن این نوع از ادبیات در جامعه کشورمان شناخته شده نیستند. پیشتر نویسندگان کسانی هستند که پس از جنگ زنده مانده اند، و به خانه‌هایشان بازگشته‌اند. امروزه قلم برداشته‌اند می‌توانند که دفاع همت ساله چه گذشته است. درباره مشکلات انفرادی نمی‌زمن، مشکل از ادب‌هایی است که پشت و کت و شلوار ادبیات جنگ نمی‌بینند. شما مشکل این آدم‌ها را حل کنید. نویسندگان ادبیات پایداری حوضان می‌مانند چکنره و شاکرانی را حل کنند.

ولی پیامون وجود شگفتی برای نویسندگان ادب پایداری هستند. آنتن چیزی که شما می‌گویید به صورت طبیعی وحشی وجود دارد. نمونه اش مراکز هستند که گروهی از نویسندگان ادبیات جنگ به آنجا رفت و آمد دارند. نمی‌دانم چنین شکل‌هایی برای ادبیات پایداری لازم است یا نه! اما این را می‌دانم که عموماً شکل‌های رسمی در مملکت ما عمر زیادی ندارند و پیشترشان جوانترگ می‌شوند و آدم دلتش می‌سوزد. شاید اینگونه شکل‌ها به دلایل احساسی، افکار موجودیت می‌کنند و بعد از آنکه این احساس فروکش می‌کند، شکل‌ها هم به امان خاخرامی شوند. گذار باید پدیده‌ای چون ادبیات پایداری رشد طبیعی خودش را داشته باشد. سرگهی، یکی از نشانه‌های شعور و فهم دولت‌ها و راحسایت ادبیات جنگ می‌داند: شما می‌توانید نمونه این حمایت‌ها را در ادبیات دیگر کشورها ببینید. در ادبیات



دفاعی کشور خودمان هم این حمایت بسیار مناسب و بجاست. اما بی‌متراب دخالت نزیود که عموماً حمایتی غیر حرفه‌ای و غیر تخصصی است.

هدایت‌الله بهبودی مدیر مسؤول مجله کمان و رئیس دفتر ادبیات، انقلاب اسلامی است: «آنچه قرن‌ها در ایران اتفاق افتاده، نهفتن خاطره نویسی بود که شکل تازه‌ای از ادبیات را وارد ایران کرد و به تبع آن خاطرات جنگ نیز سهمی در این میان داشتند. خاطره به زمان مکنی است و گذشت زمان برای خاطره مسوای با مبرایی آن است.»

وی می‌فرایند: «هنر حادثه‌ای یک سری پیامدها و واکنش‌های خاص خود را در روح انسان‌های دیگر یا خنده و آسناطم می‌سازد. اولین واکنش‌های انمی به جنگ به صورت داستان و آثار از همین تلاطمات روحی بود. با گذشت زمان، داستان‌ها به صورت قالب‌های واحد و حرفه‌ای درآمدند، چنانچه یک‌دهه پس از پایان جنگ با داستان‌های حرفه‌ای روبه‌رو هستیم. بنابر این آنچه ما کشور ما به عنوان ادب پایداری شکل گرفته یک‌سیر کاملاً طبیعی را کرده است و این سیر ایده‌هایی را به نشان می‌دهد که بتوانیم وجهه جهانی ادبیات پایداری را نیز غنی کنیم.» این کارشناس ادبیات دفاع مقدس، دربارهٔ پیغام‌ها و شکل نویسندگان این حوزه معتقد است: «هنر چه نهایه‌های مدنی در یک عرصه کنش‌شز باید، الجمن‌ها را واکنش‌های خود یافته نیز کنش‌شز می‌یابد و این امر در مورد ادبیات پایداری نیز صادق می‌کند. این الجمن‌ها مسلماً می‌توانند به نقد کتابی‌ها کمک کنند. اما این ندها وجود ندارند. با اگر بازنده باگوش‌های سیاسی خاصی هم در هستند، بنابرین همه، نویسندگان از این مجال استفاده نمی‌کنند. البته این جمع‌هاییه شلیک خصوصی و غیر رسمی شکل می‌گیرد که نویسندگان سعی می‌کنند در محافل دوستانه و خصوصی آثار خود را به نقد بکشند.»

بهبودی دربارهٔ مفارشی بودن آثار پایداری می‌گوید: «این موضوع باید با نگاهی که توانا، حمایت از نویسندگان باشد به شرطی که نوشته‌ها از پارچوب‌های رسمی و مائز سازمانی و گرایشات سیاسی خود رها نگه دارد. نویسنده‌ای که تن به این سیاست‌ها دهد، طبیعتاً اثرش، اثری فرمایشی است. ادبیات پایداری است که از روح نویسنده نشأت می‌گیرد که باید کاملاً طبیعی بروز کند و آنگاه که فرادادهٔ موجب بروز مضمون می‌اروح می‌شود، قلم‌ها اثر لفظه خواهد زد، آنجا که نوشته مورد موزی لفظ ادبیات را بر آن صدق می‌یابند.»

یک کارشناس ادبیات پایداری هم معتقد است: «اگر ادبیات پایداری را بصورت یک‌رکبه بینیم، آن‌وقت می‌توانیم به مقدار از این یک‌رکبه یک‌پیکر موزون نوبده بنابرین مخاطب در دو دهه تلاش چه بوده است. احساسی که من دارم این است که در این یک‌رکبه یک‌پیکر موزون نوبده بنابرین مخاطب هم در برابر آن چارچوب رسمی شده است. ما کارهایی در این مجموعه داریم که احساس می‌شود هنوز در فضای ۳۰ سال پیش خلق می‌شوند، نه مخاطب امروز را می‌شناسند و نه فضای امروز را. کارهای دیگری هم هستند که از زمان نیز جلوترند. این فاصله باعث تاخیر شدن ساز ادب پایداری و کتاب‌های آن است.»

وی با اشاره از عملکرد نهادهای متولی این امر می‌فرایند: «ما مسأله نهادهای متولی امر و سیاستگذار حوزه و شاکرانی شیل و سرور استفاده گز این مجموعه بوده‌اند. از یک طرف هنوز به یک شناخت دقیق از ادب پایداری و نیازهای آن نرسیده‌اند. از سوی دیگر تئور این ادبیات را وقتی فاغ می‌کنند که نشان یکپرده و به زبان دیگر خود را تنها نگاهبان شرای خویش می‌دانند. شاید دلیل همه این حرف‌ها بعضی‌ها نیاز داشته باشند که بدانند چرا حفظ و کنش‌شز ادبیات پایداری اهمیت دارد. زیرا آنچه که تاکنون دیده‌ایم بی‌کیاسنی‌هایی است که در این عدم شناخت ریشه می‌گیرد.» این کارشناس، با اشاره به دو دیدگاه ادبیات پایداری می‌گوید: «ادبیات پایداری در مفهوم عام آن بخشی از تاریخ و هویت مستقل و کامل ایرانی است. من بر این جنبه ملی تأکید دارم، زیرا، از یک سو عده‌ای با افزودن به وجهه مذهبی دفاع، ناخواسته سعی در انکار اهمیت این کلیت داشته‌اند از سوی دیگر عده‌ای نیز خواسته‌اند جنگ را سازه‌ای ملی و به‌ویژه ارزش‌های دینی ببینند که به نظر من هر دو نگاه افراطی‌آمیز است.»

فرهنگسرای پایداری

فرهنگسرای پایداری از سال ۱۳۸۰ با هدف ترویج فرهنگ ایثار و اشاعه فرهنگ دفاع مقدس و به

پیشنهاد حجت‌الاسلام مژ رئیس سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تأسیس شده است. پاس‌هنشروی مدیر این فرهنگسرا درباره کتابخانه این فرهنگسرا می‌گوید: «نام کتابخانه، مرکز مطالعات و تحقیقات است و موضوع تخصصی آن جنگ می‌باشد. در این کتابخانه‌ها کتاب جنگی نداریم. یک سری کتاب‌های جنگ از دیگر کشورها مثل روسیه، آلمان، فرانسه، عربستان و... در اختیارمان قرار خواهند داد.» وی فعالیت‌های این فرهنگسرا را اینگونه شرح می‌کند: «یک همایش یادمان‌دار در خرداد ۸۰ داشتیم که در آن برای اولین بار به‌طور همزمان ۲۲ صفحه تهران درگیر برزخه‌ای شدند که حول محور آزادی سرشهر بود. در برزخه دیگر که در مهر ۸۰ با مشارکت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد برای اولین بار همایش داستان‌های کوتاه جنگ موزد ارزیابی قرار گرفت. همچنین همایش کودک و دفاع مقدس و همایش زن و دفاع مقدس با عنوان سربازان صبور در هفته دفاع مقدس سال گذشته برگزار شد که همایش اول در همت فرهنگسرای کودک و همایش دوم با مشارکت بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس به اجرا درآمد.»

عشق و ادبیات پایداری

در کمال احساس من نیست به ادب پایداری این است که خیلی از موفقه‌هایی که می‌تواند زندگی را زیباتر کند، ادب پایداری را نیز می‌توان با آنها زیاتر کرد. مانند موفقه‌ای به نام عشق. اما ما مسأله، بعضاً نگاهها به ادب پایداری گذشته‌ای شده است.» یک استاد ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی در این مورد می‌فرایند: «تألفی که در ادبیات پایداری افتاده، این است که این حوزه وارد حیطه ادبیات سفارشی شده است و عمدتاً از لحاظ محتوایی خوب از کار در نیامده. بنابرین خوانندگانی که این آثار عیب‌های ادب پایداری را می‌خوانند به این حوزه زین اهتمام می‌شوند. مهم نیست کیفیت آثار زیاد باشد، اصل کیفیت کار است.»

جزئیاتی از مشکلات ما در انتخاب پایان‌نامه‌ها علم هشکاری دانشگاه‌ها بود

فرماندهی از جزیاتی از مشکلات ما در انتخاب پایان‌نامه‌ها علم هشکاری دانشگاه‌ها بود



شاید یک رمان خوب کافی باشد تا ادبیات پایداری جاودانه شود.

نظرات دو نماینده

علی‌اصغر هارزاده نماینده مجلس در مجلس شورای اسلامی است. ما گذشت زمان تحریفاتی در واقعیت جنگ صورت می‌گیرد و به فراموشان سربازان جنگ یاد جلوه دادن این واقعیت ظلم می‌شود. برای جلوگیری از بروز این ظلم باید با صداقت نوشت.» عضو فراکسیون ایثارگران مجلس می‌فرایند: «کتاب‌های مربوط به دفاع ۸ساله باید به زبان روز نوشته شود تا جوانان نیز بتوانند با نگاه امروزی خود آن را تخریه و تحلیل کنند.» پاسخ سؤالات خود را در آن بیانید.»

حداواد قیادت نماینده فراکسی نیز از اعضای فراکسیون ایثارگران مجلس شورای اسلامی است. «کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته می‌شود، آن‌طور که باید و شاید ایثار و ایثارگری را به مردم نشان نمی‌دهد. ولی دقت در بررنامه‌ریزی و استفاده موثوق و بهینه از



امکانات، باعث بهتر شناساندن فرهنگ ایثار در جامعه می‌شود.» وی فرهنگ پایداری ایران و فلسطین را این طور مقایسه می‌کند: «مردم فلسطین، جنگ را حتی برای کودکان نیز دردم کرده‌اند. در شهر اشعرا کودکان هم فرهنگ مبارزه دیده می‌شود.»

علی‌داریی دبیر جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در مورد نشریات و کتاب‌های پایداری می‌گوید: نشریات و کتاب‌های این حوزه از نظر کمی شاید تعداد قابل ملاحظه‌ای باشند اما بعضی از آنها کیفیت لازم را ندارند. مثلاً «بعضی رمان فاخر و گراشتگر در این زمینه داریم.» وی می‌فرایند: «از طرفی نیاز داریم که وقتی تاریخ ایران می‌کنیم آن را همان‌گونه که اتفاق افتاده بیان کنیم. ولی مسأله‌ای در بعضی از کتاب‌ها به دلیل، ما تلاش‌دشن ما (هراق دکوشنی‌ناوان و بی‌بست و نشان داده می‌شود و این نوع تحریف است.»

ناشران

ناشران حوزه دفاع مقدس نیز نظرات راهگشایی برای ارتقای ادب پایداری و حرف‌های زیادی دربارهٔ مشکلات نشر این کتاب‌ها دارند:

نشر پاپلوز

نشر پاپلوز ناشر خصوصی برگزیده سال در جتواره اسل دفاع مقدس بوده‌است. این انتشارات ۱۷ عنوان کتاب را در ۳ماهه اول سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است. فرمز پاپلوز در مورد سیاست انتشار این کتاب‌ها می‌گوید: «برای انتشار این ۱۷ کتاب ما برنامه‌های آرتیش تهیه کنیم. بعضی از نویسندگان این کتاب‌ها از پیش می‌توانیم به تعدادی از طریق پدید یافتن آثار ارزش‌های دفاع مقدس شناسایی کردیم. هیچ کدام از نشران دولتی و خصوصی در این مدت زمان کم‌کم ایجاد کتاب رایج‌تر کرده‌اند. ما این حرکت خودخواستهٔ موسی را جایگزیم. شاید دیگر درستان ناشر نیز اهتمام بیشتری در این زمینه نشان دهند.»

انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ از جمله کارهای انتشاراتی این مرکز تاریخ جنگ ایران است که تاکنون ۸ جلد آن منتشر شده ولی ترتیب زمانی ندارد. جنتی رستم‌فرد تهرانی سرپرست این انتشارات می‌گوید: «ما چون متعلق به سپاه هستیم، مشکلات بخشی خصوصی داریم. البته آنها دسترسی به اطلاعات نظامی هم ندارند. مرکز در جهت دسترسی مناسب برای کمک به ناشران خصوصی و محققان قلمداد می‌کرده است. مانند ایجاد مرکز اطلاع‌رسانی جنگ موزه جنگ و سایت اینترنتی جنگ.»

روایت فتح

روایت فتح ناشر تخصصی کتاب‌های دفاع مقدس است. علیانی مدیر نشر روایت فتح می‌گوید: «ما کارهایمان را در یک مجموعه ارائه می‌دهیم مثل مجموعه نینه بهیمان مانه. نویسنده هم نمی‌تواند خارج از این مجموعه کار کند. ولی بیشتر سعی می‌کنیم قلم خود نویسنده مطرح شود. یعنی هم استقلال نویسنده را حفظ می‌کنیم و هم فضای حاکم بر مجموعه را.»

انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس سرچنگ اسامحیل جنتی معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس می‌گوید: «اهتمام ضعیف ناشران و نویسندگان و دست‌اندرکاران باعث شده است کارها صوب به مردم ارائه نشود. اما حمایت بنیاد به این صورت است که چون ناشران خصوصی از کتاب‌های ادب پایداری استقبال نمی‌کنند، سعی می‌کنیم با خرید تعدادی از شمارگان یک کتاب، به نوعی نویسنده را از فروش اثرش خاطر جمع کنیم.»



می‌شود و تا کجا امتداد دارد؟ اگر مطلق این کلمه مبطل مان باشد که بحث شکل دیگری پیدا می‌کند یا بسخ آن مبطل است و اگر مبطل‌نمان تلقی باشد که از ادبیات جنگ وارند امروزه بحث دیگری پیش می‌آید اما، ادبیات امروزه بحث دیگری دارد که زیر مجموعه‌هایی مثل ادبیات جنگ، ادبیات مقاومت و… را می‌تواند در بر گیرد.

معضل ممکن است قائل به این باشد که ادبیات پایداری زمانی به وجود می‌آید که کشوری اشغال شده و کسانی در چهره فرهنگی علیه اشغالگران مبارزه می‌کنند، به‌عده محدود و محدودی در داخل یک سرزمین تحت سلطه یک حاکمیت و ظالم واقع شده‌اند و اینها یک جبهه پایداری و مقاومت درست کرده‌اند که جبهه فرهنگی دارد.

بنابراین در ادبیات پایداری زکی که معضی‌ها خیلی بر آن یکدیگر می‌کنند، حضور و وجود نیروی اشغالگران مهاجم متجاوز و یا حاکم مستبد داخلی است، که معمولاً در قرن اخیر این حاکم مستبد داخلی با هم پیمانایی و پستیپستی قدرت خارجی، قدرت خودش را بر توده‌ها سطره، بخشیده و تحمیل کرده است.

معضی‌ها بر این هستند که اگر کشوری از اشغال و حاکمیت و سلطه نجات پیدا کرده ادبیات او دیگر ادبیات پایداری نیست؛ زیرا ادبیات پایداری خود جبهه‌ای است که دست این جبهه کلمات نقش گدازه دارند و فکر ادیب و کار او مثل قدرت خودش را بر توده‌ها سنگ عمل می‌کند.اما من می‌خواهم بگویم، ادبیاتی که ما به عنوان ادبیات جنگ و انقلاب می‌شناسیم، می‌توانیم این هر دو را ادبیات پایداری بنامیم. به این شرط که ما ادبیات واقعاً انقلاب ندانیم، بلکه به مفهوم و محتوای انقلاب بنامیم. خود این انقلاب یا نهفت آتینا شروع می‌شود و تداوم پیدا می‌کند تا آخر الزمان است، که حق برقرار بشود. یعنی ادبیاتی که تقابل بین حق و باطل یا نور و ظلمت را نشان می‌دهد، ادبیات پایداری است و این مفهوم وسیع و بی‌مرز کلمه است، که هم در تاریخ و فرهنگ قبل از اسلام و هم بعد از اسلام در ایران ریشه و سابقه دارد. ما این نگاه کلمه لاله‌الله سبانی ادبیات پایداری و مقاومت است. همان سخن و دعوتی که تمام آتینا، برای تحقق آن معنی وسیع معنوت شدند. پس اگر انقلاب اسلامی را منتهای حادثه‌ای که منجر می‌شود به ۲۲ بهمن بهتیم و انقلاب اسلامی را یک حقیقت متعالی بدانیم که به‌هوا و نمودی از انقلاب خمینی در او بوده، ادبیات آن می‌تواند ادامه پیدا کند؛ اما این که آن چیزی که تحت عنوان جنگ اتفاق افتاد منتهای آن لایه صوری و ظاهری و با در نظر آوردن جنبه‌های پنهانی اش نوعی دفاع بود از یک انقلاب، جایی بود برای خیزش مردانی که ارزش‌ها و آرمان‌های دینی آنها را به میدان جنگ کشانده بود. اگر این را در نظر

۱۳۳۱ شمارة ۹۳، دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۱

حمید پایارند **دوبت ۹۳**

وقتی اولین بار کتاب «نامه‌های فهیبه» را دیدم، نمی‌دانستم علی‌رضا کمری پژوهشگر برجسته‌ای است. فقط می‌دانستم این کتاب با ویژگی‌هایی که دارد هر از گاهی در بازار کتاب نیایب می‌شود چند سال بعد او را در یک جلسه سخنرانی دیدم. توانا، برجسته و خوش فکر به او علاقه‌مند شده بودم اما فرصتی نبود تا بتوانم گاه و بی‌گاه دو باریش بشنم و از گفته‌هایش استفاده کنم.
شاید هم این گفت‌وگو هم در همان فضا شکل گرفت.
علی‌رضا کمری دیگر کمتر کتابی مثل «حمران هوره» منتشر می‌کند. او حالا ترجیح می‌دهد تا سالی یک کار بیشتر نداشته باشد اما کاری مثل «نامه پورهش»، «نام‌آورده» و این روزها «جنگ و خاطره» که حاصل نشست با فرانسویان در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. آنچه می‌خوانید همه حرف‌های این پژوهشگر گراقتدر نیست.

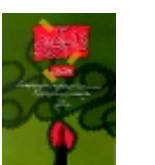
گفت گو با علی رضا کمری

آنچه باید انجام می‌شد...

بگیریم از این جا می‌توانیم به این برسیم که ادبیات انقلاب و ادبیات جنگ را ادبیات پایداری بنامیم، البته کسانی که ادبیات جبهه را ادبیات جنگ می‌نامند دلایل زیادی دارند و ممکن است این استدلال تاولی را بپذیرند. آنها صورت‌ظاهر جنگ را می‌بینند. جنگ چند لایه دارد، یکی همین صورت‌ظاهر است که چه تاریخی شروع می‌شود و چه تاریخی پایان پیدا می‌کند. یک صورت پنهان اما مادی دارد که آن جنبه پنهان را مورخان و پژوهندگان تحلیلی تاریخ به آن می‌رسند، پیش‌زمینه‌ها و بی‌آمدهاست بعد خود واقعه. یک صورت دیگری دارد که جنبه انسانی و آرمانی است که آن لایه پنهان مانده است. ادبیات جنگ می‌تواند به همه این لایه‌ها نظر بکند. کسانی که صوری و مادی و ماتریالیستی نگاه می‌کنند بیشتر آن جنبه اول را در نظر می‌گیرند. حاصل نگاه آن هاست که دقیقاً در تعبیر «ادبیات جنگ» گنجایی پیدا می‌کند. حتی به نظر من نگاه به جنگ به عنوان دفاع مقدس هم بنیابین این دو نگاه فرار می‌گیرد، یعنی اشاره می‌کند که به اینکه جنگ در برابر مهاجم دفاع مقدس بوده، این هم کسی ملحق است به همان لایه اولیه و صورت‌ظاهر و تا حدودی هم لایه دوم. اما آن لایه انسانی حادثه این است که این جنگ هیچ‌گاه تمام شدنی نیست. اگر رفت داشته باشیم امام گفت که جنگ بین فقر و غنا و ظلم و مظلوم چیزی است که تمام شدنی نیست و تارفع فتنه در عالم ادامه پیدا می‌کند. این‌ها حرف‌های حکیمانه‌ای است و صرفاً شعار نیست. آن ایام و لایه‌های فراگیر و انسانی که مد نظر هست برای ادبیات پایداری که بهره‌ها و نشانه‌ها و نمونه‌های از آن را در ادبیات جنگ می‌توان دنبال کرد، این می‌تواند معنی و گسترهٔ ادبیات پایداری مشخص کند.

با این اوصاف ما دیگر نمی‌توانیم ادبیات پایداری را فرادنیات کشور‌های دیگر دنبال کنیم چون به ادبیات پایداری جنبه ارزشی افزوده‌ایم؟

قطعاً کلمه ارزشی را در معنای جامعه‌شناسانه و سیاسی آن به کار نبریم، زیرا این‌گوش‌ها برای آن



● **ادبیاتی که تقابل بین حق و باطل یا نور و ظلمت را نشان می‌دهد ادبیات پایداری است**

چیزی که من می‌خواهم بگویم رسا نیستند، ما می‌گوییم که انسان با بحث درگیری بین حق و باطل دارند و هنری که بتواند این چالش حق و باطل، نور و ظلمت، روشنایی و تاریکی را نشان بدهد، هنر پایداری است. این را از جنبه الهی‌اش جدا نمی‌کنیم، چون چون خواهی یک امر فطری است و فطرت امری است که بین همه انسان‌ها مشترک است. اساساً دفاع یک امر فطری و پسندیده است. منتها ممکن است سوال کنید که آیا عمل و اقدامی را که در این راه برارزش‌های دینی یا آداب شرعی مبتنی نیست می‌توان تحت عنوان ادبیات پایداری جای داد، من می‌گویم در کلیت می‌شود به حسب فطرت، اما نمود آن به دیدگاه‌های شرعی ممکن است محل بحث باشد. به همین دلیل است که ما مثلاً «کلمه عمو تم» و سروده‌های پالوترو را اثر ادب پایداری می‌دانیم، یا اینویوان« یا شاهنامه» را می‌توان در نوع خودش در شمار ادب پایداری به حساب آورد در دوره لایه‌ای که دارد، می‌خواهم بگویم مقوله ادب پایداری مفهوم وسیع و گریزانه‌ای دارد که من به جنبه تا حدودی حکمی، الهی و روحانی این مسئله اشاره کردم.

پایداری در نهادهای تمام انسان‌ها مشترک است، یعنی آن کسی که ظلم می‌کند اگر فطرت او تماماً ظلمانی نشده باشد، می‌داند که کارش ظلم و بد است. چطور است کسی که از هستی خودش در برابر مهاجم دفاع می‌کند عمل خودش را دفاع نداند و آن را ازبشمند نشمرد.

اسماً ادبیات جنگ آسیب‌پذیر است یا ادیبان جنگ؟ جواب مشخص است. مگر چیزی به اسم ادبیات جنگ، جدایی از ادیبان جنگ معنا پیدا می‌کند. مگر ادبیات یا ادیبان به وجود نمی‌آوردند. اگر این طور باشد شما باید سراغ موثر بروید و نه اثر. موثر مشکل به وجود می‌آورد یا مشکل برایش به وجود می‌آید که شما نمود آن را در اثرش می‌بینید. در آسیب‌شناسی ادبیات بحث از دیدبداوردندگان است یا زمینه‌های پدیده یا عوامل موثر یا نهادهای مسئول یا آسیب‌نگذاری‌های و سیاست‌نگذاری‌های کلان یا کرده‌ها و رنگ‌ده‌هاست.

ادبیات جنگ ما امروز از کدام ناحیه آسیب‌پذیرتر است؟ آسیب‌شناسی را می‌شود در آثار و در جریان‌های آسیب‌ساز دنبال کرد، در کارهایی که باید بشود و نمی‌شود و کارهایی که باید می‌شد و نشد، این مسائل آسیب می‌رساند. می‌شود دنبال کرد، به اشکال و انحاء مختلف می‌شود مسئله را دید. در سازمان‌ها، مراکز تصمیم‌گیری‌ها، تمام عوامل و علی‌که دست انداز کار هستند، موثرند یا مشکل می‌دهند یا اثر هر کدام در جای در معرض آسیب‌هایی قرار می‌گیرند، که این‌ها را ارتباطشان را باید جدا جدا بحث کنیم. بحث آسیب‌شناسی را پیداکنه باید دنبال کنید. از آسیب‌شناسی تا نهایت مسئله.

پُرش یا به گمان من این نقطه زمانی و تاریخی جنگ - و نه صورت ظاهرا آن - این قابلیت را دارد



که به عنوان یک موضوع و پدیده مورد توجه قرار بگیرد. وقتی که چیزی می‌شود پدیده یا موضوع قابلیت مطالعه پیدا می‌کند، پس باید برای آن روش مطالعه و تحقیق پیدا کرد. برای این باید مبادی تحقیق طراحی کرد، کسانی باید درباره آن بکاوند، علاوه بر روش‌شناسی، مسئله‌یابی و موضوع‌شناسی خیلی مهم است. ذهن تا تربیت و حساسیت پژوهشی پیدا نکرده باشد به این سمت کشیده نمی‌شود. این نکته‌ای است که مغفول مانده، چه چیزی مانع شده است که جنگ به عنوان یک موضوع قابل مطالعه جدی علمی از جمیع جهات - ادبی، هنری، تاریخی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و...مورد بررسی قرار نگیرد - جوابش مفصل است اما به یک جهت آن اشاره می‌کنم. غربت آندیشه و غیبت حکمت در بزرگ را سامان دهد و سرپرستی کند.

از دید آسیب‌شناسی، کارهای بادمانی و یادبودی، مناسبتی، تقویمی، تبلیغی، موسمی، رسانه‌ای جنگی، جنجالی، که مثل تب در موقعی از زمان بروز می‌کند و فروکش می‌کند، در ظاهر کاری است که جنبشهایی را به خودش مغفول می‌کند اما خود این هیاهو‌ها حاجب و مأمعی برای چیزهایی می‌شود که باید دیده بشود، یعنی این نوع تبلیغ به تعریب بیشتر کمک می‌کند. تخریب همه چیز.

آقای درودیان در کتاب نقد پرشن‌های اساسی جنگ اشاره‌ای دارد به این که ما بعد از جنگ، در دوره بازسازی و توسعه، نگاه معدودی داشتیم از سوی دولت به موضوع جنگ که این نگاه از برای بعد برای تهیهٔ برود و دست‌یافتنی که از دست رفت با شروع دوره توسعه به نظرم فرواش شما با گفته‌های ایشان به نوعی تطبیق دارد. اگر این دو نکته جنگ ما به دلیل نوع نگاه دولتی به آن تا امروز مورد غفلت عامه مردم قرار گرفته است، به یکی دو دلیل اول این که نگاه دولت تبلیغی بوده است و نه تحلیلی و دیگر این که عده‌ای گریزانه از این که به دولت متنبس بشوند و این دو نگاه باعث شده است که حقیقت پنهان در اصل موضوع پنهان بماند.

من می‌خواهم بگویم که این پدیده، قابلیت آن را دارد که مطالعه بشود اما دربارهٔ این موضوع، مسئله‌شناسی هنوز صورت نگرفته است. یعنی ما

بسیرون در مسائل مربوط به جنگ و متفاوت آن این مسائل و موضوعات از جهات مختلف قابل بحث است. به مددپژوهی تحقیق و جنبه‌های کارکردی آن توجه نشده است، حتی این که چه غایت و مقصدی مد نظر ما هست یا باید باشد دقیقاً مشخص شده است.

امروزه پژوهش و تحقیق جز به داشتن دانش، بینش و عقل فعال و روشمند، ممکن نیست و نیاز کتند، چنین چیزی نگاه صرفاً عاطفی، احساسی و یک بعدی به این موضوع است. به نظر می‌رسد در این جا بین کسانی که خود را رافع جنگ می‌دانند و کسانی که خود را مخالف آن می‌پندارند یک اشتراکی به وجود می‌آید، چرا که هر دو این‌ها درگیر صورت ظاهر هستند، به همین دلیل هم می‌بینیم که فرهنگ، موسوم به شناسنامه می‌آید اما نمی‌کنند. حتی کارهای جدی که انسانیت را به خود و مخاطبین آن می‌تواند جنگ را قبول نداشته باشد اما از حیث مطالعه مسله گشایان به موضوعی از مسائل جنگ بنگردند رغبت علمی نشان می‌دهند و این مباحث‌های اولیه صورت گرایان مانع می‌شود که این‌ها رغبت رجوع پیدا بکنند، حقیقتاً کسی که از موضوع متفکرانه به این موضوع حقیقتاً کسی که احساس تنهایی می‌کند و رنج می‌برد. من به اندازهٔ ضرر طبیعی یک انسان موضوع برای تحقیق و پژوهش دارم اما اوضاع مساعد نیست و من مطمئن نیستم که آیا فردا می‌توانم دیدگاهم یا نه. همین نبود اطمینان موجب می‌شود که کسی جرات بیوسنجی و سرماندگاری عمری نکند. این جریان قوی که در دنیا جریان دارد می‌شود این بود که هیچ‌کس نمی‌داند اگر خیلی‌ها حرف جدیدی بزند یا کسی نتواند یا صاحب کند یا انگار یا نسیب، مجموعه به کسی نتواند چای دهنده‌ای خیلی‌ها هم ارسال شد اما تا هر یک نفر فرستادی، اگر نسیب نماند، آن هم به صورت حضوری در برابر آن اظهار می‌کردند و گفت که این کار باید به عنوان یک مرحلهٔ هستی در مطالعات جنگ مورد توجه قرار بگیرد. گاهی من احساس می‌کنم که کار علمی و عقل ورزی برای جنگ یک موردی زرد است، گرچه حقیقتاً ما این مطالعات را در شرح نکرده‌ایم، چون تازم آن نگاه تبلیغی یک دست می‌تایم موجب بی‌زیش مخاطب و جمع اصل مسئله می‌شود.

ما در کار مطالعه جنگ فایدهٔ فکر، هوشمندی، درایت، جامع نگری، مسئله‌شناسی، متدولوژی هستم و اگر این‌ها موجود باشد هر چیزی برای خودش شکل می‌گرفت و به وجود می‌آمد. امروزه دروازهٔ سال پیش من دانشم که نیاز به یک نهاد مطالعاتی و تحقیقاتی داریم و اسم آن راه‌گام گذاشتیم فرهنگستان، پژوهشگان مطالعاتی و تحقیقاتی دفاع مقدس، برای این حتی طرح رشته‌های دانشگاهی مد نظر بود که برپور تربیت کنیم، یعنی یک تعالی علمی و درود آکادمیک به مسئله در ذهن من بود. هر چه بیشتر رفتیم یا مانع بلندتری برخورد کردیم، ما در طرف‌هایی کنجایی پیدا کردیم که بر ما تنگ بود و کسانی که صاحب امکانات و اختیارات بودند ارتفاع نکرشان به این حرف‌ها نمی‌دانو این مسئله کنیم و محدود ماند، به همین شکل که می‌بینید، بنابراین اگر قرار دههٔ اخیر را از منظر تاریخی مسئله‌شناسی بکنید از خوددروغ انقلاب، تا حالا، می‌بینید شناسی ناسی و پنج موضوع تاریخی در برابر مطالعه یک دوره نیست ساله، که تا به حال در هیچ کتابشام یک مطالعه جامع و فاکر صورت نگرفته است. چرا این اتفاق نیفاده است؟ من می‌خواهم بگویم در کنار تفکر این دولت درست و سودا دن به این مسئله نباید افراد را فراموش کنیم. از جذب بودجه تا ارائهٔ طریق به مسئولین توسط این افراد همه قابل بحث و بررسی است چرا عمدتاً پژوهشگرانی که چشماند به روی این مسائل باز بوده است، کسی نگرداند مسئولین را به این سمت و مسیر برساند؟ به دلایلی که آن مسئولان به وقوف این آقایان یا علم نداشته‌اند یا اعتقاد یا هر دوتالی می‌زنم اگر رئیس یک بیمارستان فردی غیر پزشک و حتی آدم

بیرون باوریم و تبدیل کنیم به مسئله ای که می‌توان به آن نگاه جدی کرد. بعد این را با اهل فکر و دانش با نگاه‌های مختلف به بحث گذاشت و این کار سخنی است. برای فراهم کردن نامه پژوهش (۹) نهاد آورد ما با دانشگامان سرو کار داشتیم تا به آنها توضیح دهیم که جنگ این نیست که فقط می‌بینیم و شناسی و شنید و این کار اساسی نیست. چقدر ما می‌توانیم این مسئله گذشته را شأئیت مطالعه بدیم برای حال و آینده تا دربارهٔ کار بکنیم، اما این دغدغه کسانی که اعصاب و قدرت و امکانات آنها باید زیر پروبال این نوع نگاه را بگیرد نیست و آنها دورزدن از این ساحت بنابراین ما دچار تنهایی شده‌ایم. کشف حقیقت پیش از هر چیزی نیاز به حق مطلب دارد پیدا کردن حقیقت جنگ و کشف لایه‌های زیرین آن هم از این قاعده مستثنی نیست و باید به آن احساس نیاز کرد تا به دنبال آن رفت این احساس دیده نمی‌شود، رزمندگان ظاهراً رفتی ندراند به بازگویی این مورد و دولتمردان هم که به دنبال آن استفاده کارکردی و کشف کارکرهای امروزیه گذاشته مانع می‌شوند که این اتفاق بکنند. من می‌خواهم بدانم چنین فضایی که پژوهشگرانی مثل شما احساس تنهایی بکنند در دنیا چقدر سابقه دارد؟ از سوی دیگر می‌بینیم پنج دهه می‌گذرد تا متلاً جنگ و صلح در شوروی نوشته شود و به سنت خودمان هم که نگاه می‌تایم تاریخ نگاری ما حداقل یک فرنی یا تاریخ وقوع حوادث فاصله دارد آیا در مورد جنگ هم نباید تسیر کنیم تا این اتفاقات بگذرد و کشف حقیقت در چان بعضی‌ها حلجان ایجاد کند تا به دنبال آن بروند؟

چند چیزی توان به این سوالات جواب داد. اولاً این که زمانی بگذرد تا ما به دنبال کشف حقیقت برویم مربوط به زمانی بود که فاصله دور تا شهر را که الان در یک ساعت طی می‌کنند درش مدام می‌پوشند. پیش ما تغییر و تحول در زمان داشتیم، یک حادثه ای اتفاق می‌افتاد و ما می‌توانستیم در وقت و باج، ما در پیشرفت بایک جهتی دائمی ورود به تصادفات همگامی، حادثه‌ها را آن‌نگریدند، دقیقه‌ها از دست می‌دادند رفته است و این موضوع برای دقیقه‌ای از دست می‌دهیم، خود حتی کار از اختصار اطلاعات هم گذشته است. کشورهایی که دارای سابقهٔ فرهنگی هستند، مشغول هستند که سنت و سخت خودشان را در برابر هجوم مدرنیزم و بداهم پست مدرنیزم حفظ کنند. قرن حاضر را می‌دانید بعضی قرن مگر بسیاری از زبان‌ها داشته‌اند. الان جای معطلی نیست، انسانی که در گذشته می‌نشتت و می‌نوشت در آن عهد ساکن بود، اما امروز ما دیگر مهدی نداریم، ما متعلق به گذشته نیستیم، ما داریم می‌شویم، انسان‌های حاضر، آدم‌های لحظه‌ای، آدم‌های زمان.

بخشیدیم هنوز نمی‌توانم با شما روی این بی حرکت کنم و هنوز رابطهٔ بر زمان در عصر حاضر و نیاز به فرصت برای کشف حقیقت را پیدا نکرده‌ام.

من می‌خواهم بگویم گذر زمان خیلی شتابان شده، حوادث خیلی متنوع شده، اندوکن حادثه‌ای دیگر نیست، آرزوی یک روستایی زمانی این بود که برود مشهد و کربلا و بنیاده‌ها داشته‌های او محدود بوده به فهوه خانه و منبر و پرده خوانی، اما امروز دنیای در گوشه اتاق شما شکل می‌گیرد، شما دو دهه اخیر را از منظر تاریخی مسئله‌شناسی بکنید از خوددروغ انقلاب، تا حالا، می‌بینید شناسی ناسی و پنج موضوع تاریخی در برابر مطالعه یک دوره نیست ساله، که تا به حال در هیچ کتابشام یک مطالعه جامع و فاکر صورت نگرفته است.

چرا این اتفاق نیفاده است؟ من می‌خواهم بگویم در کنار تفکر این دولت درست و سودا دن به این مسئله نباید افراد را فراموش کنیم. از جذب بودجه تا ارائهٔ طریق به مسئولین توسط این افراد همه قابل بحث و بررسی است چرا عمدتاً پژوهشگرانی که چشماند به روی این مسائل باز بوده است، کسی نگرداند مسئولین را به این سمت و مسیر برساند؟ به دلایلی که آن مسئولان به وقوف این آقایان یا علم نداشته‌اند یا اعتقاد یا هر دوتالی می‌زنم اگر رئیس یک بیمارستان فردی غیر پزشک و حتی آدم

بیرون باوریم و تبدیل کنیم به مسئله ای که می‌توان به آن نگاه جدی کرد. بعد این را با اهل فکر و دانش با نگاه‌های مختلف به بحث گذاشت و این کار سخنی است. برای فراهم کردن نامه پژوهش (۹) نهاد آورد ما با دانشگامان سرو کار داشتیم تا به آنها توضیح دهیم که جنگ این نیست که فقط می‌بینیم و شناسی و شنید و این کار اساسی نیست. چقدر ما می‌توانیم این مسئله گذشته را شأئیت مطالعه بدیم برای حال و آینده تا دربارهٔ کار بکنیم، اما این دغدغه کسانی که اعصاب و قدرت و امکانات آنها باید زیر پروبال این نوع نگاه را بگیرد نیست و آنها دورزدن از این ساحت بنابراین ما دچار تنهایی شده‌ایم. کشف حقیقت پیش از هر چیزی نیاز به حق مطلب دارد پیدا کردن حقیقت جنگ و کشف لایه‌های زیرین آن هم از این قاعده مستثنی نیست و باید به آن احساس نیاز کرد تا به دنبال آن رفت این احساس دیده نمی‌شود، رزمندگان ظاهراً رفتی ندراند به بازگویی این مورد و دولتمردان هم که به دنبال آن استفاده کارکردی و کشف کارکرهای امروزیه گذاشته مانع می‌شوند که این اتفاق بکنند. من می‌خواهم بدانم چنین فضایی که پژوهشگرانی مثل شما احساس تنهایی بکنند در دنیا چقدر سابقه دارد؟ از سوی دیگر می‌بینیم پنج دهه می‌گذرد تا متلاً جنگ و صلح در شوروی نوشته شود و به سنت خودمان هم که نگاه می‌تایم تاریخ نگاری ما حداقل یک فرنی یا تاریخ وقوع حوادث فاصله دارد آیا در مورد جنگ هم نباید تسیر کنیم تا این اتفاقات بگذرد و کشف حقیقت در چان بعضی‌ها حلجان ایجاد کند تا به دنبال آن بروند؟

چند چیزی توان به این سوالات جواب داد. اولاً این که زمانی بگذرد تا ما به دنبال کشف حقیقت برویم مربوط به زمانی بود که فاصله دور تا شهر را که الان در یک ساعت طی می‌کنند درش مدام می‌پوشند. پیش ما تغییر و تحول در زمان داشتیم، یک حادثه ای اتفاق می‌افتاد و ما می‌توانستیم در وقت و باج، ما در پیشرفت بایک جهتی دائمی ورود به تصادفات همگامی، حادثه‌ها را آن‌نگریدند، دقیقه‌ها از دست می‌دادند رفته است و این موضوع برای دقیقه‌ای از دست می‌دهیم، خود حتی کار از اختصار اطلاعات هم گذشته است. کشورهایی که دارای سابقهٔ فرهنگی هستند، مشغول هستند که سنت و سخت خودشان را در برابر هجوم مدرنیزم و بداهم پست مدرنیزم حفظ کنند. قرن حاضر را می‌دانید بعضی قرن مگر بسیاری از زبان‌ها داشته‌اند. الان جای معطلی نیست، انسانی که در گذشته می‌نشتت و می‌نوشت در آن عهد ساکن بود، اما امروز ما دیگر مهدی نداریم، ما متعلق به گذشته نیستیم، ما داریم می‌شویم، انسان‌های حاضر، آدم‌های لحظه‌ای، آدم‌های زمان.



● علم و عقل ورزی برای جنگ یک مقدری زود است. گرچه حقیقتاً ما این مطالعات را زود شروع نکرده‌ایم

کریلش‌ها و گروه‌ها متفاوت باشد.

برخی از نهاد‌های خصوصی که بعضاً به این موضوع پرداخته‌اند دیدگاهی مخالف تقدس گرایی در جنگ دارند. آیا این مخالفت را شما با اصل دفاع مقدس در تضاد می‌بینید؟

خیر، دو شکل می‌شود این را گفت. اولاً من بین اثری که ضد دفاع مقدس است با اثر غیردفاع مقدس تفاوت قائم، ادبیات دفاع مقدس می‌تواند به عبارتی ادبیات ضد جنگ هم باشد. ادبیات دفاع مقدس ممکن است در جایی نفی دفاع و نفس مدافع را بسنجد. وطن دوستی و از دست نشاندگی خارج کردن وطن را مورد مدح و ستایش قرار دهد. و به دشمن به نگاه تفرآمیز بنگرد، اما ادبیات جنگ و به برمی‌شرد و بگویم می‌کند. حتی اگر در لفظ نکوهش بکند، نشان می‌دهد که صلح چه قیمتی دارد و چقدر گران تمام می‌شود. در تمام حرب‌نامه‌ها، کتاب‌هایی مربوط به فنون جنگ، در تاریخ ما کابرد بر آن است که جنگ صورت بگیرد و حتی وقتی دو سپاه در برابر هم قرار گرفتند اولین تیز را شما نزدیک تا پیش قدم در جنگ بنیاید. ما در ادبیات جنگ به دنبال مقدس کردن جنگ نیستیم، دفاع، مقدس است و حتی نیازی هم به صنعت مقدس ندارد. دفاع از قوهٔ قضاییه برمی‌خورد در کتاب‌های اخلاقی هم توضیح داده شده است که یک سر این قوهٔ شجاعت است و در سفر دیگر خشم،



در اینجا آن بخش شجاعت مد نظر است و نه خشم. این اختلافات رزم تا به حال توضیح داده نشده است. می‌توان از طریق مطالعه مستندات - که نه تنها انواع آن شناخته نشده بلکه از مجموع آن حتی پنج درصد هم فراهم نیامده است - این مطلب را ثابت کرد و به دست آورد و این نیاز به آن کار پژوهشی کلان دارد در مملکتی که این تجربه معظم ریاست سر گذاشت.

اساساً مطرح شدن دیدگاه‌های مخالف از مبارک می‌دانید یا نامبارک؟

من مبارک و نامبارک را لفظ مناسبی برای این گفت‌وگو نمی‌دانم. اما می‌گویم کسی که با حلم و با علم و به قصد بی‌جوئی حقیقت به معنی علمی موضوعی را دنبال می‌کند نباید از اشکال و شبه و اخم بهراسد. گرچه ما استقبال از شبهه‌ها کردیم پژوهشی کلان دارد در مملکتی که این تجربه معظم ریاست سر گذاشت.

من مبارک و نامبارک را لفظ مناسبی برای این گفت‌وگو نمی‌دانم. اما می‌گویم کسی که با حلم و با علم و به قصد بی‌جوئی حقیقت به معنی علمی موضوعی را دنبال می‌کند نباید از اشکال و شبه و اخم بهراسد. گرچه ما استقبال از شبهه‌ها کردیم پژوهشی کلان دارد در مملکتی که این تجربه معظم ریاست سر گذاشت.

به نظر می‌رسد کسی که از شبهه می‌ترسد منابع خودش را در خطر می‌بیند. یک وقت نهاد‌ها می‌ترسد و یک وقت افراد گاهی هم این ترس نیست تعصب است. با این چه باید کرد؟

ترس و تعصب نشان ناهائی و ناتوانی است،

دانا و توانا نه می‌ترسد و نه تعصب می‌شود خصوصاً در موضعی که سوال کننده قصدش سوال است و نه نفی مباحثه‌ها. هر سوالی پاسخ دارو اما نفی مباحثانه و تعصبانه ولو به صورت ظاهر سوال، اصلاً سوال نیست.

ما می‌بینیم که حتی نفی جملاتی ای که صورت سوال به خود می‌گیرد در بعضی علما پاسخ داده می‌شود و در موارد ابتدا سوال را توضیح می‌دهند و بعد پاسخ می‌دهند. گاه پیش می‌آید که باید کمک کنیم که سوال کننده، سوال را به وجه درست مطرح کند و این که کمک نمی‌کنیم سوال کامل شود برمی‌گردد به نادانی و ناتوانی من معتمد که خیلی وقت‌ها ایراد و شبهه به مقدس بودن این دفاع شیطانی نیست، بلکه برعکس از نادانی یا کم‌دانی است. با مفهوم مقدس برای بعضی روش نیست و بسا که با گفت‌وگوی بود و رو این بحث‌ها قابل حل است و به کشاکش‌های بی‌نهایت ندارد. آخرین سوال من دربارهٔ هفت کتاب و نام گذاری روزی به نام ادب پاسداری است. نظر شما دربارهٔ این نام گذاری چیست؟

اگر این نام گذاری به سبک نام گذاری‌های متعارف است، نظرم این است که این کار شرمناک است و در جایی باید بکنیم یا این نوع از ادب در برنامه‌های فرهنگی رسانه‌ای به شکل سالم، حتی آثار برجسته‌ای که قبل این نوع ادبی قرار می‌گیرند معرفی بشوند. پرازدان‌دکان این نوع آثار شناسایی بشوند و از این حیث مورد تحلیل قرار بگیرند. یعنی اگر یک حرکت معادار مشاهده کردیم که آثار و تعیات اسم گذاری را داشت، می‌گویم این اسم یا مسما است. کاشی که مسما اسم را مشخص کند و نه اسم، اسم را.



دکتر داریوش شایگان نویسنده: استخوانی بریک قاعده

به گمان من آغاز مطالعه در کشور ما، به نسبت کشورهای دیگر، اتفاقاً پشتر هم هست، محض نمونه تقیاس کنید این آغاز با آغاز فرانسه، در کشور فرانسه سال ۶۰ هزار عنوان کتاب جدید پایه‌ی آموزشی متوسط فروش تنها ۷۰۰۰ جلد است. پس می‌بیند که این مقدار در مقایسه با نسبت شمار کتاب و فروش آن در کشور ما رقم خیلی پایینی است. این تقصیه و دیگر هر چند که به کشور ما در مقایسه با شمار کتاب و مطالعه کتاب در دنیای اسلامی ، عرب، رقم پایینی است. به هر حال راه‌های بالایی که از کتاب‌های خارجی می‌شنوم مربوط است به کتاب‌های جنجالی، نه همه جور کتاب.

هدای می‌رسیم است. می‌گویم، من چرا قسمت‌ها را نمی‌خوانم؟ در این جاسجیح که از خواب بلند می‌شوی قسمت همه چیز بالا می‌رود، چه کتاب مستثنی باشد؟ از ذوقاقت کتاب به نسبت قسمت سایر ملومات زندگی، گران نیست و تنها مشکل این است که با درآمد مردم نمی‌خوانند، و این ربطی به کتاب ندارد. درآمد مردم ایران متوسط رو به پایین است.

محمود دولت‌آبادی نویسنده: کار من نوشتن است مدیر نمی شوم

اگر من مسوول هفته کتاب بودم؟ مدیر بودن او من بر نمی‌آید من این کاره نمی‌دانم است. می‌گویم، من چرا قسمت‌ها را نمی‌خوانم؟ در این جاسجیح که از خواب بلند می‌شوی قسمت همه چیز بالا می‌رود، چه کتاب مستثنی باشد؟ از ذوقاقت کتاب به نسبت قسمت سایر ملومات زندگی، گران نیست و تنها مشکل این است که با درآمد مردم نمی‌خوانند، و این ربطی به کتاب ندارد. درآمد مردم ایران متوسط رو به پایین است.

سیمین بیبختی شاعر:

من لا معاش له لا معاد له

می‌پرسید چگونه تا شعر و نویسنده تجلی کنیم و هفته کتاب چگونه باید باشد؟ من می‌گویم چگونه مردم را با آثار نویسنده و شاعر آشنا کنیم تا خود به خود قدر او در میان مردم شناخته شود. در واقع چگونه آثار او را در میان مردم روا کنیم.

مردم باید کتابخوان باشند. باید عادت کتاب خواندن

در میان آنان طبعیت ثابری شود، اما چگونه؟
تلاش و هزینه باید بجای قدرت و جاهل داشته باشند؛
به عیارت دیگر آرزای باشند، کتاب‌ها را آثار نویسندهگان از میان حالی نباشند و رفیق مردم به خواندن برانگیخته شود.

۱) دولت و مسوولان نشر فرهنگ باید برای چاپ و نشر کتاب یارانه بدهند تا کتاب، آزار به دست خواننده نباشد.

۲) باید خدمت‌های آراژمان و آسایش برای نویسنده و خواننده فراهم باشد تا هر دو بتوانند لذت نوشتن و خواندن را درک کنند.
باجای پریشان نه می‌خوان چیزی نوشت و نه می‌خوان چیزی خوانند.

۳) راه همه مردمگان مالی برای چاپ کتاب و خرید آن است.
شمارگان ما همه دادگان من لا معاش له لا معاد له، کسی که روزی باید سه جا کار کند تا حداقل هزینه لازم فرست کتاب خوانند.

۴) اگر مردم ما من و مسکن خود را به زحمت فراهم می‌کنند کتاب‌های درسی را برای فرزندان خود به زحمت می‌خرند.
دارند، دیگر برای خرید کتاب چه نوعی از آنان داریم؟

غالب هموطنان ما نویسندهگان و شاعران خود را نمی‌شناسند تا آنان تجلی کنند. شرایط زندگی در روزگار

ما سخت است، باور کنید او قش شکم‌ها گرفتار اند، معزها چگونه سیر هستند؟

دکتر صادق زیباکلام:

یک خطای فاحش

بنده ایستاداً اینگونه از پرسش که مولوی آن یک سزاواران با مرکز دولتی است مخالفم چرا که به اعتقاد من بهترین این است که به منظور کلی از صحنه کتاب خارج شود و بگذاردند مردم خود تصمیم بگیرند که چه نوع کتاب‌های را از چه نوع نویسندگانی می‌خواهند بخوانند و مطمئن باشند اگر این امر صورت گیرد بسیاری از مردم از نان شب خود خواهند زد و کتابی را که می‌خواهند تهیه خواهند کرد. البته بیان این مطلب به این معنی نیست که دولت هیچ گونه نظارتی نداشته باشد. نظارت و دخالت قانونی لازم است و باید باشد. ولی قانونی که خود مردم از طریق نمایندگانشان به تصمیم می‌رسندند، وجودش لازم است. همان طوری که در تمام کشورهای موزکراتیک هم وجود دارد و اگر کسی به فردی یا مقدسات جمع و گروهی توهین کند آنها حق دارند که به دادگاه شکایت کنند. در همه جوامع آزادی تابعی از قانون است.

و اما یکی از اشتباهاتی که در کشور ما زیاد هم اتفاق می‌افتد این است که مسوولان و حاکمان یک تصور غلطی دارند و فکر می‌کنند می‌شود با اجرای یک سری سیاست‌ها و برنامه‌ها در یک مدت چند ماهه یا چند ساله مردم یک جامعه را کتابخوان و بی‌سواد کرد. این یک خطای فاحش حکومت است و هرگز نمی‌تواند کار مثمنی در این زمینه انجام دهد. البته همه دولت به منظور معنی می‌تواند جلو برخی مطالب را بگیرد. می‌تواند مع از طریق کتابخوانی ایجاد کند. می‌تواند از طریق سانسور به برخی از مطالب پروبال بدهد و مانع انتشار برخی دیگر شود ولی مطمئناً نتیجه‌ای نخواهد گرفت چرا که هر قدر حکومتی بر روی مطلق تبلیغ کند مردم را به آن مست و سو تشویق کند، آنها زودتر از می‌شوند و بیشتر رو می‌گردانند. این تصور بسیار غلط است که می‌توان مردم را مال یک کارخانه از این طرف و آن طرف کتابخوان نمود. این داد ما شکست اینگونه رویکردها و نظریات را در نظام‌های کمونیستی و فاشیستی دیده‌ایم. پس بهتر این است حکومت‌ها پای خود را از این صحنه بیرون کشند و تصمیم بگیرند که به عهده خود مردم بگذارند.

منبر وروانی پور نویسنده:

به کتاب خواندن حرمت بگذاریم
شدم کتابی که کتاب می‌خواند و یا می‌نویسد و همه دارند اما من می‌گویم که نه کتاب خواندن نه کتاب نوشتن هیچ ترسی ندارد و اگر ملتی از فرهنگ دور شود، به بزهکاری روی می‌آورد این بزهکاری هم مملکت را داغان می‌کند. حالا هر حکومت و یا سیستمی روی کتاب باشد تفاوت ندارد.

وقتی ما در جامعه‌ای هستیم که مردم می‌ترسند کتاب جمع کنند و بخواهند چیزی کتاب‌سوزان داشته‌اند نمی‌توانیم از کسی که در یک هفته مسوولیت برگزاری کتابخانه می‌تواند بشکند؟

به نظر من باید خیلی بنیادی ترس از کتاب خواندن که روی صندلی ما نشان نشده‌اند بگیریم. فکر نکنند که ما می‌خواهیم صندلی ما نشان بگیریم و خودمان سر جایشان بنشینیم. باید آنها را قانع نکنیم که به نفع همه ما و فرزندآمان می‌باشد که به دیگران حرمت بگذاریم و باید اجازه دعیم دیگران یک جور دیگر فکر کنند، نویسنده و زندگی‌اشان را بکنند. بسیاری از کتابخانه‌ها هیچ کدام از کتاب‌های شخصی من را ندارند. باید در هر مرحله‌ای کتابخانه‌ای دایر کرد زیرا ما در راه‌های ساختمان‌های بزرگ سر سنگ می‌پوشیم، جوان‌ها معاند می‌شوند و این مأموران‌ها هستند که آنها را تغذیه می‌کنند. چرا؟ زیرا هنوز در بعضی از دانشگاه‌ها

یک پرسش، ۸۱ پاسخ

اگر مسوول هفته کتاب شده و در حال اجراء است، اما می‌خواستم بدانیم اگر چهره‌های ادبی، فرهنگی و هنری مسوول هفته کتاب بودند چه نقایری می‌اندیشیدند. برای امروز دیدگاه‌های جمع زیر را می‌خوانید:

	داریوش شایگان
	محمود دولت‌آبادی
	سیمین بیبختی
	صادق زیباکلام
	منبرو روانی پور
	زنجانیپور اکبر

اکبر زنجانیپور بازیگر:

یک بیبختی

در میان صدها نظیر بیبختی

به عقیده من ریشه‌یابی مسألهٔ نامفصل کتابخوانی و مطالعه در مسلک ما یا رویکرد سیاسی و نگاه‌هایی از این دست (هر چند که آثار گذار هستند) امکان‌پذیر نخواهد بود. بلکه به نظر می‌رسد بیشتر است با رویکردی فلسفی و سرزمینی به این موضوع نگاه شود.

پس توپچی می‌خواند کتاب و مطالعه از قدیم دامگیر ما بود است و اصولاً ما ایرانی‌ها کمتر کتاب می‌خوانده‌ایم. حال این که چیرا این طوری بوده است من نمی‌دانم، اما فکر می‌کنم می‌شود سینه‌راهی برای بررسی این موضوع - به عنوان مسألهٔ جامعه امروز ایران - ترتیب داد.

به هر صورت، این مشکل با برگزاری هفته کتاب و نمایش دادن تعدادی کتاب حل نخواهد شد. بلکه به شناسی لایق از بعدد سال پیش - به این طرف - بررسی کنند، بیشتر احساس نیاز می‌شود.

در این مسلک، زمانی گنایی حل ملاحظ و سعیدی و فردوسی و بیبختی متولد شده‌اند و آثاری مانند کار تولد چنین آثاری برآمده باشند، بلکه محصول جامعه و فرزند بیبختی و حلقهٔ می‌رزند. زبانه‌ای که در آن لایق صدها نظیر شده‌اند. به هر تقدیر جامعه آن زمان سبواتر از ما بوده‌اند و اهل مطالعه اشند.

این که در دوره ما (با وجود نویسندگان بزرگی که هم داریم) این‌همه‌ای حل ملاحظ کردن نمی‌کنند، امری کرده‌اند. در این ملاحظهٔ آثار آنها توسط جامعه، من می‌بینم،‌های بزرگ باضعیت و بدون ملاحظت این نشانه‌اند و آنها را ریشه دواندن آثارشان در جامعه، مطالعهٔ آثارشان است.

هفته کتاب بی‌فایده است. این معضل فرهنگی تاریخی ریشه‌های تاریخی این معضل فرهنگی پستیرو داشت و به مردم نشان داد، فکر نکنند از زحمت‌های شخصی من می‌شود و با در خلوت کتاب خوانند و ویاروی می‌بازدای بی نهایت کتاب، فکر به بار خواهند نشست.

اسم‌هایی چون شاملو، گلشیری و دولت‌آبادی قدغن هستند. این جوانان باید از این طریق جذب فرهنگ خودشان شوند تا فرهنگ نامناسب بگانه را پس بزنند. البته نمی‌خواهم بگیریم که تمام فرهنگ بیگانه نامناسب است، بلکه قسمت‌هایی از آن نامناسب است که باید آن را پس زد. بنابراین باید یک ذره چشم‌هایشان را باز کنند و جهان را ببینند تا آن چیزی را که تجربه شده و به بن بست رسیده دوباره تجربه کنند.

ما باید برای ایجاد فرهنگ کتابخوانی از چنگی شروع کنیم. در فرانسه همین که چپه‌هایشان خواندن و نوشتن یاد گرفتند، پریشان عقیم‌هایی می‌خرید تا یادداشت‌های روزانه‌شان را در آنها بنویسند. با این کار خواندن و نوشتن عادت چپه‌ها می‌شود. وقتی اسم بسیاری از بزرگان ادبیات معاصرمان در کتاب‌های درسی ما عیاق است، خوبه چپه چوری جوانان شود و شوق کتابخوانی پیدا کنند؟ بنابراین من واقعاً برای آ‌می که مسوول برگزاری هفته کتاب است دلم می‌سوزد و با او احساس همدردی می‌کنم؛ باید چون تقاضا پس بدهد.

پس باید در این هفته کتابخانه‌های بسیاری راه بیندازند و هم کتاب‌هایی که جوانان مردم دوست دارند بگذارند و هم کتاب‌هایی که باها و هماه مردم داده‌اند ولی نخواهند داد. راه‌ها در این کتابخانه‌ها بگذارند. مسایقه سالانه‌ای برای جوانان راه بیندازند مبنی بر اینکه جوانان به کتاب‌هایی که در طول سال خوانده‌اند، و به نظرشان بهترند، رأی بدهند و بگیرند که چه کتابی خوانده‌اند. ۵۰ نفر جوان اینگونه بهترین‌ها را انتخاب کنند که نه پارتی‌بازی شوند و نه کتاب‌های تجلی را برنده اعلام کنند و بگیرند که این کتاب‌ها را مردم و جوانان می‌خوانند. جوانان اینگونه کتاب‌ها را نمی‌خوانند و باید بگیریم که این جوانان، این شاعران و نویسندگان در پیش آوردن ندارند. به هر صورت کتابخوانی سیاسی از دوران دستار شروع شود و در واقع باید در هفته کتاب به خوانندگان کتاب جایزه داده شود.به نویسنده کتاب پیشنهاد می‌کنم یک مسایقه هم بکرای جوانان در این مورد بگذرانند و به آنهاهی که بیشتر کتاب خوانده‌اند جایزه بدهند.

مسوولان باید ترسند که در دبیرستان‌ها و دستخان‌ها کتابخانه داشته باشند و بگیرند که لایق کتاب قدغن است و این کتاب را بخواند و آن را بخواند. باین مأموران‌ها مردم فقط از فرهنگ خود دور می‌شوند. چون آن چه راحت‌تر همه چیز را در مأموره می‌بینند. من مسلک‌تان دوست دارم. من تسلیم و یک مأمور و دوست ندارم وضع بدتر از این شود. باید آشکار، به هر ضرب‌الظنی که می‌گوید آمد ابرویش را برود، در چشمش را آخور کرد، باید چشمش را آخور نکند. من تسلیم داشتم صحابه نکند زیرا عضای می‌شوم.

برای نهادینه کردن کتابخوانی باید به کسی که کتاب می‌خواند نگاه کرد. به این معلم پیوزی همیشه ششش گرز هفتده، باید این هدیت برواشه شود و این معلم نباید شب سفت‌گردد. نویسنده باید آن قدر همش خوب باشد

که با پرسیده‌کنند خود یا از گرسنگی در مسئله باشند. خوب معلوم است باین وضعیت که هست و پدرو مادرها می‌بینند کسی‌که اهل کتاب خواندن بوده‌اند، پدر و زجر و بدبختی کشیده‌اند و مجبور بوده‌اند فرم گوشه‌ای دیگر نمی‌گذارند که چه‌شان سراج کتاب بود. باید به دانش و کتاب خواندن حرمت بگذاریم و این هم نامزدیم که برنامه اساسی و درازمدت است.

مختصص ما باید جمع شوند و ترسند و ترس مردم هم ریخته شود و گرنه فرهنگ مسخچی همه چیز از راه عمل امروز و عیود نیست. نگاه از ترس و سلبه تاریخی است. باغورگاه این قوم هفته است. معرفی مفاصل نویسندگان و دسترس بودن کتاب‌های جدید از این قصبه است. به طور کلی برای کتابخوان کردن مردم باید احساسی امنیت بکنند. حالا امنیت مالی، فکری و کاری با غرور باشد.

	داریوش شایگان
	محمود دولت‌آبادی
	سیمین بیبختی
	صادق زیباکلام
	منبرو روانی پور
	زنجانیپور اکبر



۳. تپه برهانی
۴. جنگ دوست داشتی، سعید تاجیک
۵. غواصی هایوی نعمانی همد.

محسن پرویز، نویسنده:

تعداد کتاب‌های مناسی که در حیطه دفاع مقدس اعم از داستان، خاطره، گزارش، تحلیل و تقدیمی توان به عنوان آثار برگزیده و باسئنه بر شمرده زیاد است. مفید شدن بر انتخاب تنها ۱۵ اثر باید همراه با این قید باشد که آنچه در ذهن فرد به دلیل خاصی باقی مانده است. کتاب‌هایی که اسم می‌برم هر کدام از جهتی در من تأثیر گذار بوده‌اند و مخصوصاً در ارتباط با کتاب‌های داستان فقط جنبه ماچرا را در نظر نمی‌گیرم. در زمینه کتاب خاطره از بین کتاب‌هایی که بیشترین تأثیر را در من گذاشته‌اند می‌توانم به فرزندان ایرانیم نوشته داود امیریان به خاطر نوع نگاه و صمیمیت نوشته برای نوجوانان و جشن خندانان نوشته محمدحسین قدمی به خاطر نوع نگاه عمیق نویسنده و دقت نظر او و اینکه جزء اولین کتاب‌هایی بود که تا حد زیادی به دور از قرار و شعار توانست فرهنگ جنبه را منتقل کند، نام می‌برم.

اخیراً کتاب همیای صافه از حسین بهزاد و کلملی بابایی را خواندم و تلاشی تحسین‌برانگیز این دوستان در ثبت و ضبط وقایع برهه‌ای از دفاع مقدس در یکی از یگان‌های محوری عملیات‌های بزرگ جبهه (شکر ۳۷ حضرت رسول) را استودام.

در زمینه کتاب کتاب احمد دهقان، سفر به گرای ۷۷۰ درجه را به عنوان پیشگوت آثار ارزشمندی که به زیبایی منتقل‌کننده فرهنگ جبهه بوده‌اند می‌پندم. اگر چه بعد از آن کتاب فنی تری و به لحاظ تکنیکی قوی‌تر هم با همین خصوصیات منتشر شده است، از جمله زمانی برای بزرگ شدن از محسن مؤمنی.

در مجموع آثار سیدمهدی شجاعی که در بسیاری موارد پیش از آنکه داستان باشد، قطعه ادبی است و داستان‌های کوتاه مجید قیصری هم زیاهستند. اگر قرار بود آثار را محدود تکنیک از آثار دیگری هم نام می‌بردم.

سعیرا اصلانپور، نویسنده:

۱. آتش در خرمن، حسین قناسی
۲. عقاب‌های تپه ۶۰، هفت روز آذر، محمدرضایا برهانی
۳. جنگ دوست داشتی، سعید تاجیک.

ابراهیم ترکی، سردبیر فرهنگ پایداری:

۱. نام آورد، به کوشش علیرضا کسری
۲. عقبت، نصرت‌الله محمودزاده
۳. مجموعه یادگاران از مؤسسه روایت فتح
۴. زمین سوخته، احمد محمود
۵. فرهنگ جبهه، سیدمهدی فهیمی.

محمدقاسم فروغی، دبیس سابق نشر صریح:

۱. مجموعه ۶ جلدی جنگ تحمیلی
۲. گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند، حسن بنبی علمری

احمد شاکری، نویسنده:

قطعات زمان ثابت خواهد کرد که چه کتابی ماندگار است و کدام نیست، اما به نظر من کتابی که توانسته باشد از ظاهر به باطن برسد و از میان واقعیت‌ها به حقایق دست پیدا کند، ماندگار است.

طی‌آما در خاطر و از داستان‌های هوشمند، رامش در میان رمان‌ها توانستیم به کار ماندگاری برسیم اما در عوم کتاب‌های مربوط به جبهه و جنگ به نظر فرهنگ جبهه ماندگار خواهد بود.

البته شاید آثار ماندگاری هم وجود داشته باشد اما عدم اطلاع‌رسانی و توزیع نامناسب باعث محدودیت آنهاست.

حرامان هور، جنگ دوست داشتی و تپه برهانی و شاید ناخشیی هم سفر به گرای ۷۷۰ درجه احمد دهقان.

علی آقاغفار همدانی، نویسنده کودک و نوجوان:

۱. بیو، علی اصغر کاظمی
۲. لحظه‌های یک پاسبان

گزارش

ماندگار در تاریخ پایداری

این ۵ آثار فراموش نکنید!

۳. طعم باروت، مجید قیصری
۴. همیشه رفیق، مصطفی خرامان
۵. سنگ نوشته‌ها، محمد کاظم
۶. تپه برهانی، محمدرضا مطلقانی.

محسن مؤمنی، قائم‌مقام مرکز آفرینش‌های هنری حوزه هنری:

۱. فرزندان ایرانیم، داود امیریان
۲. مهاجر کوچک، رضا هگنر
۳. آواز نیمه‌شب، داود غفرازادگان

۳. چشم چشم دو ماهی، محمد حمزه زاده
۵. آن مرد در باران آمد، محمد حمزه زاده

۱. هفت روز آذر، محمدرضایا برهانی
۲. در حوزه بزرگساله، محمدرضایا برهانی

۳. قصه‌های شهر جنگی، حبیب احمدزاده
۴. آرمبارضا امیرحاجی
۵. بعضی از کارهای سعید تاجیک
۶. ککه آذر، دست نوشته‌های شهید صالحی، با تدوین احمد دهقان

۷. حرامان هور، یادداشت‌های شهید احمدرضایا برهانی
۸. مجموعه فرهنگ جبهه
۹. جشن خندانان، محمدحسین قدمی
۱۰. ...

حمیدرضا داوآبادی، نویسنده:

۱. بیو، علی اصغر کاظمی
۲. نامه‌های فهیمه، به کوشش علیرضا کسری
۳. حرامان هور، به کوشش علیرضا کسری
۴. ساعت ۶ کنار دریاچه میروان، پروین نوبخت
۵. تخصص، حمیدرضا داوآبادی.



۱. علی اصغر کاظمی، نویسنده: ۱۰۰۰ کران ۱۳۳۳ در نیرد آبادان، هیأت معارف جنگ
۲. همیای صافه، کلملی بابایی، حسین بهزاد
۳. فرهنگ جبهه
۴. خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه
۵. زندگی خوب بود، حسن رحیم‌پور.

محمود جوانبخت، نویسنده:

۱. سفر به گرای ۷۷۰ درجه، احمد دهقان
۲. زمین سوخته، احمد محمود
۳. صلح، مجید قیصری
۴. جنگ دوست داشتی، سعید تاجیک
۵. نامه‌های فهیمه، به کوشش علیرضا کسری.

احمد دهقان، نویسنده:

۱. زمین سوخته، احمد محمود
۲. قصه‌های شهر جنگی، حبیب احمدزاده
۳. طعم باروت، مجید قیصری
۴. زندگی خوب بود، حسن رحیم‌پور
۵. جنگ دوست داشتی، سعید تاجیک
۶. تپه برهانی
۷. روز شمار جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

پرویز بیگی حبیبی آبادی، شاعر:

به نظر من هیچ مجموعه شعری به موز ماندگاری نرسیده است. همه در میانه راه هستند. البته شعرهایی داریم که به لحاظ تأثیرگذاری در حسی مشترک و جایگزین شدن در ذهن و زبان مردم، در آینده نیز فراموش نخواهند شد. اما جای یک مجموعه که صد در صد تأثیر گذار باشد را چه در حوزه شعر و چه در حوزه نقد علمی می‌بینم. البته باید فرصت بدهیم. شاید شاعران این را کامل کنند. این نرسیدن ناشی از کم‌کاری شاعران نیست بلکه به دلیل گسترده‌گی و بی‌تظری بودن موضوع است.

فراخوان جایزه ادبی کام اول

نشریه کتاب هفته در نظر دارد به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با برگزاری شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (۱۳۸۸) نخستین آثار در چهار زمینه شعر، داستان و ترجمه ادبی (شعر و داستان) منتشر شده از اول سال ۱۳۷۶. که نخستین نتیجه جدی به نوقلمان در مراسم انتخابیه هفته کتاب این سال انجام گرفت و آقای خاتمی رئیس جمهوری ضمن تجلیل از این آثار، پيامی تیره همین منظور صادر کردند. تا پایان سال ۱۳۸۱ انتخاب و معرفی نماید. به همین منظور ناشران و نویسندگان می‌توانند با ارسال هفت نسخه از آثار خود به دبیرخانه جایزه کام اول، در این حرکت ادبی فرهنگی شرکت کنند.

مهلت ارسال آثار منتشره از آغاز سال ۱۳۷۶ تا نهمین نخست سال ۱۳۸۱ تا پایان آذرماه سال جاری و آثاری که در نهمین دوم همین سال به چاپ خواهند رسید تا نهمین آذرماه استفاده است.

گفتنی است که به ۱۲ نفر از برگزیدگان در چهار زمینه یاد شده جوایزی به شرح زیر اعاده می‌گردد.

نقرات دوم، ۷ سکه بهار آزادی
نقرات اول، ۵ سکه بهار آزادی
نقرات سوم، ۳ سکه بهار آزادی

نشانی: تهران، میدان هفت‌تیر، خیابان قائم‌مقام قراقرانی، خیابان فجر، پلاک ۹ طبقه دوم، گروه جوان نشریه کتاب هفته، جایزه کام اول.

دبیرخانه جایزه کام اول



جشن بیستین سالگرد انتشار ماهنامه صنعت چاپ عصر دیروز با حضور علی اصغر رفشانپور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جامی مدیرکل اداره چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از فرهنگیان و مدیران کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان برگزار شد.

در این نشست احمد مسجدجامعی پارلمانی‌یست سالگی انتشار نشریه صنعت چاپ را تبریک گفت. در این آئمه است، هنر، با تقویت و گسترش فرهنگ مکتوب، راه به سپیده‌ها گشود و پرشتاب به حرکت درآمد.

کتاب تحولات چاپ بخصوص از جنبه فناوری به گونه‌ای بود که بعضاً بااین‌بار خود را نیز جا گذاشت. این روند اکنون نیز ادامه دارد و در این هنگامه پرشتاب، گاه حرم‌ها نیز بزرگ می‌یازند و موسی‌دان بر حاشیه رانده می‌شوند. حال آنکه آنان شالوده‌های این بنای عظیم هستند و نمونه‌هایشان را در جمع خانواده بزرگ چاپ ایران نیز داریم و اگرچه این اتفاق سلفانه حتی در جوامع غربی که تنش اثری پیش ازگسترش گه به چاپ دست یافته‌اند، رویت است. اما درصوبهٔ جلد خوبمعلم اعلام کنیم که ماهنامه صنعت چاپ، که امروز از سئله سومین هدف انتشار خود قرار دارد هنوز ناآشن داشته است تا در تلاطم تحولات فناوریانه، حرم‌ها و کنسرت‌ها را حفظ کند و آن را به مثابه امنیتی گرفتار به دیگران انتقال دهد.

من بر این باورم که حضور پیشگویان، متخصصان، کارشناسان و دست‌اندرکاران این عرصه فنی در جمع امروز، فقط شرکت در جشن یک نشریه نیست و خیر از اعتقاد عمیق به افزایش فرهنگ می‌دهد. فرصت را ممتنع می‌شمارم و سالگرد انتشار ماهنامه صنعت چاپ را به دست‌اندرکاران و خانوادهٔ محبیبی

چاپ تبریک می‌گویم.

برای همگان از خداوندان‌مان فدایی روشن‌تر و پربارتر آرزوی کنم.

در ابتدای این نشست علی اصغر رفشانپور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارتباط نشریه صنعت چاپ با آقای رفعی که در این عرصه به لحاظ

تخصصی و فکری نقش کلیدی ایفا کرده‌اند، مورد تأکید ذکر کرد و گفت: البته صنعت چاپ دیدگاهها و نظرات نخبگان را مطرح می‌کند.

وی به دست‌اندرکاران این نشریه پیشنهاد کرد تا در سیاست‌های آینده نشریه

با قرائت پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

جشن ۲۰ سالگی ماهنامه صنعت چاپ برگزار شد



خود به دیگر حوزه‌های فعال در صنعت چاپ نیز توجه کنند و امکان گفت‌وگو و تبادل نظر را فراهم آورند و صرفاً به تبلیغ یک نظر گناه حاصر نپردازند. وعظ‌شور از آماده‌سازی زمینه گفت‌وگو میان علاقه‌مندان صنعت چاپ کشور توسط جامی مدیرکل اداره کار چاپ و نشر به عنوان اقدامی ارزنده و خاتراست یاد کرد و افزود:نگونه اقدامات نیازمند حمایت رسانه‌ای است و دست‌اندرکاران این نشریه می‌توانند به ما کمک کنند دیدگاه‌هایمان را راحت‌تر مطرح کنیم. در ادامه این مراسم مرتضی میرزگرایسته، با اشاره به موقعیت مهم و ویژهٔ مجلهٔ صنعت چاپ، انتشار آن را باعث دست و گفت، مجلهٔ صنعت چاپ در درجه اول صنعت چاپ را تعریف کرد زیرا این صنعت تنها به چاپخانه ختم نمی‌شود.

وی با اشاره به اینکه چاپخانه نتیجه کار صنوف بسیاری را در این زمینه به نمایش می‌گذارد و به نظر جامعه می‌رساند، افزود: تصور همگان این است که صنعت چاپ، یک صنعت محدود به چاپخانه است، در حالی که چنین نیست. صنوبریا توجه به نقش مجلهٔ صنعت چاپ در به وجود آوردن قلم‌های نیم اعضاء صنوف چاپ، اظهار داشت: ماهنامه‌ها و الجمن‌ها، مجامعی کوچک و محدود در حد حوزه فعالیت‌های خود هستند، در حالی که مجلات کوچک‌تری از جمله مجلهٔ صنعت چاپ می‌تواند، تمامی اعضاء دست‌اندرکاری را که در زمینه‌ای خاص کار می‌کنند، مه‌اندک کلوی در هر جمع کنند تا از راه مجله با هم صحبت

کتاب و روایت

حمید هترجو

محمد حمزه زاده، مدیر عامل شرکت انتشارات سوره مهر:

چشم انداز نشر در ایران روشن نیست

تولید شده در این مجموعه‌ها توسط

انتشارات سوره مهر آماده‌سازی و منتشر می‌شود. البته در بخش‌های اصلی هم تجارت‌نگارهای دریم و زیربخش‌های آنها متعدد است.

از مرحلهٔ حرفه‌یی تا صحنای چه امکاناتی را اختصاصاً دارید. آیا برای چاپ و دیگر موارد از امکانات

لیتوگرافی، چاپ و صحنای بخش خصوصی هم استفاده می‌کنید؟

کلید امکانات تولید فنی در مجموعه

مدیریت تولید فنی وجود دارد. امکانات چاپ حوزه هم در مؤسسهٔ چاپ سوره مهر مرکز است که همهٔ خدمات چاپ انتشارات سوره مهر را به ارائه می‌دهد. می‌توان گفت که در موارد معدودی، به استفاده از امکانات بخش خصوصی نیاز پیدا می‌کنیم.

برویم سراغ اصل قلم
تعامل مالی انتشارات با آنها چگونه است؟

ما دو نوع قرارداد داریم. قلم سایر مراکز نشر، یعنی درصدی و خرید قطعی. اما خودمان ترجیح می‌دهیم که با نویسندگان به صورت درصدی قرارداد بنویسیم تا منافع آنها

بیشتر و بهتر لحاظ شود. **سامان‌کار کتابفروشی‌ها چگونه است؟ آیا در روزهای تعطیل هم فعالیت می‌کنند؟**

کتابفروشی‌ها از ساعت شش و نیم صبح تا نه شب باز هستند و در تعطیلات رسمی هم طبیعتاً تعطیل. **آیا برای کافهٔ سهپه اری دارید و خودتان کافه‌تازان یا تأمین می‌کنید یا اینکه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گیرید؟ و در هر صورت چه نوع کافه‌ی استفاده می‌کنید؟ ایرانی یا خارجی…**

از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه می‌کنیم، در هر دو قسمت دوم سؤالتان هم باید بگویم که هر دو نوع

کافهٔ مورد استفادهٔ ما ست.

چه مشکلاتی در تأمین مواد اولیهٔ تولید چاپ و توزیع دارید و از دید شما چشم‌انداز نشر در ایران چگونه است؟

طبیعتاً مشکلات کلی و ماکرو بر مسائل نشر اثری ما هم مست‌گامی برای تهیهٔ کافهٔ چاپار مشکلات جدی می‌شوند و این کارآیا به موقع دریافت نمی‌کنیم، تازهٔ این یکی از مشکلات

عقدیهٔ وادی نشر است. به نظر من اگر

رشدیم و به همین مولای پیش برویم، چشم‌انداز روشنی

نمی‌توان برای نشر تصور کرد. البته اگر بزرگان، فکری

کنند، حتماً وضع بهتر می‌شود.

دربارهٔ انتخاب کتاب از سایر نشران، ملاک قیمت است یا محتوا؟ چه ملاک‌هایی در انتخاب کتاب‌های محتوایی

دارید؟

قاعدتاً باید محتوای کتاب‌ها به عنوان ملاک مطرح

باشد و همین‌طور هم هست، به‌طور کلی از دست‌ان

کتاب‌هایی که به‌طور اشکافاً یا پنهانی با توجه با سیاست‌های کلی نظام قرار نگرفته‌اند در دایرهٔ انتخاب ما

قرار می‌گیرند.

قیمت‌گذاری کتاب‌هایمان بر چه اساسی است و تعقیف است؟

ما تلاش می‌کنیم قیمت کتاب‌ها با هر صوبهٔ جوی در هزینه‌های تولید، پایین بیاوریم برای کتابفروشی‌ها یا

تخفیف ۲۵ درصد کتاب می‌خریم.

به عنوان آخرین سؤال، آیا فیر از فعالیت انتشاراتی خود، شغل دیگری هم دارید؟

انتشارات، همهٔ وقت‌ها مرا به خود اختصاص می‌دهد، طبیعتاً نمی‌توانم شغل دیگری هم داشته باشم.



گزارش نشست کتاب‌های کودک و نوجوان و حمایت‌های دولتی

حمایت دولتی کدام گره را می‌گشاید؟

درفصلین روزازدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، نشست با عنوان کتاب‌های کودک و نوجوان و حمایت‌های دولتی در ادامه سلسله نشست‌های هایشان بررسی کتاب کودک و نوجوان در فرهنگ‌های نیاوران برگزار شد.

به گزارش خبرنگارگردانم هفت هفته کتاب، در این نشست، ابتدا علیرضا کرمانی کارشناس و مسئول گروه تحقیقات کتاب کودک و نوجوان، درباره کتابهای کودک و نوجوان رنست این کتاب‌ها با سیاست‌های دولتی سخن‌آرازه کرد.

وی در تعریف سیاست‌های فرهنگی گفت: سیاست‌های فرهنگی برای رسیدن به اهداف فرهنگی وضع می‌شود. البته سیاست‌های فرهنگی مفهوم بسیار وسیع‌تری دارد و در بعضی موارد فریادیل تعریف است که آن ساله متأثر از مفهوم فرهنگ و به تبع آن اهداف فرهنگی است.

فرهنگ آرازه نشده است و وقتی می‌خواهیم اهداف فرهنگی را در بخش دینی و آدینی تعریف کنیم دچار مشکل می‌شویم و آرایشی سیاست‌های فرهنگی که بر این مبنا تعریف شده است بسیار مشکل می‌نماید. کرمانی ضمن اشاره به سیاست‌های فرهنگی در بخش کتاب کودک و نوجوان گفت: کتاب، نسبت به سایر محصولات فرهنگی شکل عینیت یافته‌تری دارد ولی این ساله باعث نشده است که در سیاست‌های فرهنگی شاهد سیاستگذاری شفاف‌تری در این حوزه باشیم.

وی سپس به میزان سرانه‌های کتاب در دهه گذشته اشاره کرد و گفت: در حال حاضر ما شاهد وضعیت خوبی در این زمینه هستیم هر چند بعد از سال‌های ۷۶ و ۷۷ شاهد نسبی صعودی در این زمینه بودیم. کرمانی در ادامه سیاست حمایت از تألیف را مورد ارزیابی قرار داد و گفت: طبق آمار، ما سالانه در این زمینه وضعیت خوبی شاهد هستیم و این سیاست‌ها، افزایش تولیدی و نوجوانان به کتابهای تألیفی را در پی نداشته است.

وی در پایان سخن‌آرسان کرد: بر اساس تالیج به دست آمده از پروژه‌های تحقیقی محور کتاب سیاست‌های

حمایتی دولت ناشران هستند. این در حالی است که تعداد ناشرانی که سالانه حد‌عنوان کتاب منتشر می‌کنند بسیار محدود است.

در ادامه مراسم عبدالعظیم فریدون مدیر نشر محراب قلم، حسن کیانیان مدیر نشر چشمه، وحید طوقانی یکی از پیشگویان عرصه کتاب کودک و نوجوان و علی‌اصغر سی‌آبادی دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به بحث و تبادل‌نظر درباره حمایت‌های دولتی از کتاب کودک و نوجوان پرداختند.

کنش‌آدم‌رشتنشر محراب قلم در سخنان حضور دولت در سیاستگذاری فرهنگی را لازم دانست و افزود: به نظر می‌رسد حمایت‌های انجام شده، حمایت‌های تعریف شده‌ای نیست و به گونه‌ای اعمال سلیقه محسوب

شوند که همه ناشران از آن بهره‌گیرنده تولید کتاب وضع مطلوب‌تری پیدا کنند.

در ادامه، علی‌اصغر سی‌آبادی در سخنانی رابطه کتاب و دولت را متأثر از ساله بزرگتری به نام دولت و فرهنگ دانست و افزود: معمولاً رابطه دولت‌ها با فرهنگ به چند دسته تقسیم می‌شود که از آن جمله می‌توان دولت‌های مبتنی بر بازار آزاد، دولت‌هایی با دخالت تمام و کمال، دولت‌هایی با حمایت بی‌قید و شرط و دولت‌هایی با حمایت مشروط بر شمر.

وی افزود: آنچه ما در کشورمان شاهد هستیم، ترکیبی از همه این‌هاست و در واقع دولت با اعمال سیاست‌های خود از صمت نشر حمایت نمی‌کند بلکه نوعی از کابلهای را مورد حمایت قرار می‌دهد.



می‌شود به طوری که تعداد کمی از ناشران از آن بهره‌مند و تعداد زیادی ضرر می‌بینند. وی نظریه نظریه‌پردازی که برخی آن را نتایج مثبت حمایت‌های دولتی می‌دانند رد کرد و گفت: سیاست‌های حمایتی وزارت فرهنگ را نشانه اسلامی از قبیل تخصیص وام و کاغذ باعث شده است تا ناشران غیر حرفه‌ای وارد سوچیوی وارد بازار نشر شده و بازار کتاب را به مخاطره اندازند.

عبدالعظیم فریدون تصریح کرد: سیاست‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر کتاب را دچار بحران کرده است. باید حمایت‌ها به گونه‌ای طراحی

نشست بررسی مسائل کتابخوانی با موضوع کتاب و خانواده برگزار شد

۷ لذت کتابخوانی

غفاری به اکتسابی بودن کتابخوانی در خانواده اشاره کرد و افزود در بحث خانواده وقتی توجه به کتاب مطرح می‌شود، به دنبالش به امر اکتسابی بودن کتابخوانی در خانواده می‌رسیم. البته بخشی از آن هم به ویژگی‌های فرهنگی خانواده برمی‌گردد.

وی سپس با تأکید بر نقش الگوهای زبانی خانواده در توجه به کتاب، گفت: الگوی زبانی خانواده (باز) منجر می‌شود تا تکریش و توجه به کتاب بیشتر شود چون الگوی زبانی باز و گسترده الگویی استدلال گراست و اگر در خانواده‌ای چنین الگویی مطرح باشد به نوعی توجه به کتاب و محصولات فرهنگی بیشتر خواهد شد. برعکس این قضیه اگر الگوسته باشد می‌تواند در عدم توجه به کتاب تأثیر بگذارد.

غفاری در پایان سخانش افزود: در مجموع مهم خانواده در جریان کتابخوانی، اساساً مهم تلقی می‌شود چرا که این جریان، ریشه در دوران کودکی فرد دارد و به نوعی با اوایل زندگی وی ارتباط پیدا می‌کند و در ادامه این نشست اسفاته کنمانی، مدیرکل مرکز مطالعات و

تحقیقات فرهنگی در خصوص جایگاه کتاب گفت: اگر افراد جایگاه خاصی را برای کتاب در ذهنشان باز نکنند فرصت‌ها به فرصت‌های نامناسبی تبدیل می‌شود و مناسبانه کتاب برای خانواده ضرورت اصلی خود را پیدا نمی‌کند. به همین دلیل باید در برنامه‌ریزی‌ها به سعی حرکت کنیم که افراد در حوزه معرفت جایگاه ویژه‌ای برای کتاب در نظر بگیرند.

در ادامه این نشست زهرا فهمی؛ محقق، به نقش خانواده در مطالعات غیردرسی دانش آموزان اشاره کرد و گفت: طی آمار به دست آمده از تحقیق (آقای مطهری) در خصوص میزان تأثیر خانواده روی مطالعات غیردرسی، ۶۵درصد خانواده‌ها، مهمترین مشوق دانش آموزان در مطالعات غیردرسی بودند. لذا در نتیجه خانواده به خاطر کارکردها و وظایفی که برعهده‌اش است مورد توجه صاحب‌نظران است.

فهمی در ادامه سخانش افزود: مناسبانه در ترویج فرهنگ کتابخوانی خانواده موفق نبودیم اما که از دلایل اصلی آن سبزه آموزش‌های مادی و



کتابخوانی می‌شوند همچنان که تحقیقات انجام شده داده که کتابخوانی به ایجاد ۷ ترفه لذت منجر می‌شود از جمله: آشنایی، هدایت، قدرشناسی، گسترش دانش‌ها، گمانه‌ها، یادگیری، آراستن.

در ادامه نشست خانم کنمانی، مدیرکل مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی با طرح این پرسش که چطور جایگاه کتاب در ذهن افراد تغییر می‌کند و در این خصوص چه باید کرد؟ از گفتار غفاری خواست تا به این پرسش پاسخ دهد.

غفاری، استادیار دانشکده علوم اجتماعی تهران در پاسخ به سؤال دکتر کنمانی گفت: به نظر می‌رسد که فضای خانواده به فضای خانواده هسته‌ای محدود نمی‌شود و به نوعی باید فراتر از این بعد به آن توجه شود. بنابراین باید سهم خانواده را در کتابخوانی مشخص کرد. وی در ادامه افزود: تجربه کتابخوانی در این نشان داده است، کتابخانه‌هایی که در سطح محله‌ها یا به وجود آمده از خانواده شروع شدند و سپس کتابخانه خانواده‌ها هم توانستند به کتابخانه‌های محلی تبدیل شوند به همین دلیل حساس کردن خانواده‌ها نسبت به این ساله بسیار مهم است و می‌تواند در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی سهمی عمده ایفا کند.

وی در خاتمه گفت: بخش خاصی از جامعه درگیر مسائل فرهنگی و معرفی هستند و قشر خاصی برای تصمیم‌گیری در بخش فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که اگر این مسائل به سایر اقشار اجتماع هم کشیده شود این گام‌ها تغییر می‌کند.



پایین‌تری باریوم.

وی حمایت‌های دولت در سالهای گذشته را

براساس تولید فکر کرد و گفت: تنها راه واقعی از بحران فعلی این است که بازار بافوقه کتاب در کشور را به بازار بافعل تبدیل کنیم و اگر این امر محقق شود نیاز به هیچ گونه حمایتی نیست.

در ادامه وحید طوقانی در سخنانی تصحیح کرد: چنانچه دولت خود را از مسائل دولتی مربوط به کتاب کودک کنار می‌کشید، بهترین حمایت را انجام داده بود.

وی سپس برخی از ناشران دولتی همچون ناوگان پرورش نگری کودکان و نوجوانان و انتشارات مدرسه را مورد توجه قرار داد و گفت: ناشران دولتی، به مثابه عول‌هایی در بازار نشر کتاب کودک جایی برای فعالیت ناشران خصوصی باقی نمی‌گذارند و چنانچه این ناشران عرصه را حالی کنند، نشر کودک به هیچ حمایتی نیاز ندارد.

وی تأکید کرد: دولت بهر است هدایت‌کننده حمایت، زراد صورت ادامه یافتن حمایت‌ها فعلی، اولین چیزی که صلعه می‌خورد ادبیات کودک و نوجوان است.

وی ضمن اشاره به اینکه ادبیات کودک در سال‌های اخیر هیچ پیشرفتی نکرده است، گفت: من فکر می‌کنم این هم نتیجه نفوذ دولت در این عرصه است.

طوقانی افزود: چرا در این جمع نباید مناسبه‌هاگان ناشران دولتی حضور داشته باشند؟ مانند عمران آموزش و پرورش و معیاری ناوگان می‌بایست امروز در این جلسه حضور می‌یافتند و به مسائل مطرح شده پاسخ می‌دادند.

وی در پایان ارزیابی حمایت‌های دولتی‌ها چنان روشش است که سؤال برانگیز به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه ما شاهدیم که در کتاب‌های دبستان، برخی از کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران خاصی به عنوان کتاب کمک درسی معرفی شده است. در حالی که همین شیوه می‌توانست در جهت حمایت از ناشران خصوصی انجام پذیرد.

نشست بررسی مسائل کتابخوانی با موضوع کتاب و خانواده برگزار شد

۷ لذت کتابخوانی

مشکلات دیگر بر ارزش‌های معنوی است که سبب شده تا خانواده‌ها به کتاب و کتابخوانی کم توجه شوند.

وی در خاتمه بیان کرد: هنر اصلی والدین که مسئول تربیت هستند ایجاد نیاز است نه پاسخ ب نیاز. اگر والدین کتابخوان باشند فرزندانشان هم به نسبت از آنها

کتابخوان می‌شوند همچنان که تحقیقات انجام شده داده که کتابخوانی به ایجاد ۷ ترفه لذت منجر می‌شود از جمله: آشنایی، هدایت، قدرشناسی، گسترش دانش‌ها، گمانه‌ها، یادگیری، آراستن.

در ادامه نشست خانم کنمانی، مدیرکل مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی با طرح این پرسش که چطور جایگاه کتاب در ذهن افراد تغییر می‌کند و در این خصوص چه باید کرد؟ از گفتار غفاری خواست تا به این پرسش پاسخ دهد.

غفاری، استادیار دانشکده علوم اجتماعی تهران در پاسخ به سؤال دکتر کنمانی گفت: به نظر می‌رسد که فضای خانواده به فضای خانواده هسته‌ای محدود نمی‌شود و به نوعی باید فراتر از این بعد به آن توجه شود. بنابراین باید سهم خانواده را در کتابخوانی مشخص کرد. وی در ادامه افزود: تجربه کتابخوانی در این نشان داده است، کتابخانه‌هایی که در سطح محله‌ها یا به وجود آمده از خانواده شروع شدند و سپس کتابخانه خانواده‌ها هم توانستند به کتابخانه‌های محلی تبدیل شوند به همین دلیل حساس کردن خانواده‌ها نسبت به این ساله بسیار مهم است و می‌تواند در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی سهمی عمده ایفا کند.

وی در خاتمه گفت: بخش خاصی از جامعه درگیر مسائل فرهنگی و معرفی هستند و قشر خاصی برای تصمیم‌گیری در بخش فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که اگر این مسائل به سایر اقشار اجتماع هم کشیده شود این گام‌ها تغییر می‌کند.